

# رساله پولس رسول به غلاطیان

## مقدمه

غلاطیه استانی از ممالک تحت سلطه امپراطوری روم بود که در مرکز ترکیه امروزی واقع گردیده بود. رساله پولس رسول به غلاطیان، فقط به یک کلیسا نوشته نشده است بلکه، مخاطبین این رساله کلیساهای متعددی در استان غلاطیه هستند که به توسط پولس رسول بنیان نهاده شده بودند. نام این کلیساهای مشخص نیست و همچنین از تاریخ دقیق نگارش این رساله اطلاع دقیقی در دست نمی‌باشد. برخی مفسرین، تاریخ نوشته شدن این رساله را حدود سال ۵۴-۵۶ میلادی تخمین می‌زنند؛ حال آنکه گروهی دیگر، این رساله را مربوط به سالهای اول رسالت پولس دانسته، تاریخ نگارش آن را به سالهای ۴۸-۴۹ میلادی مربوط می‌دانند.

دلیل پولس رسول از نگارش این رساله از فحوای متن آن کاملاً مشخص است. ظرف مدت کوتاهی پس از آنکه پولس رسول آن کلیساهای را بنا نهاده بود، عده‌ای از مسیحیان یهودی تبار به آنجا رفته، با تعالیم پولس به مخالفت برخاستند. پولس رسول گفته بود که نجات انسان به خاطر فیض خداست که به توسط ایمان به عیسی مسیح دریافت می‌گردد (افسیسیان ۲:۸)، ولی آن مسیحیان یهودی تبار می‌گفتند که به منظور دریافت نجات و بخشش گناهان، بایستی مانند یک یهودی، مطابق قوانین شریعت یهود عمل نمود. از این سبب، تاریخ به این افراد لقب «یهودی‌گر» را اطلاق نموده است. اگر تعالیم «یهودی‌گرها» پیش می‌رفت، آنگاه انجیل عیسی مسیح و پیام نجات‌بخش فیض، به کناری نهاده می‌شد. بنابراین، پولس لازم دید که این رساله را جهت مقابله با تعالیم غلط این گروه به رشته تحریر در آورده، ایمانداران کلیساهای جوان و نوپای منطقه غلاطیه را نسبت به خطرات تعالیم غلط و گمراه کننده آنان آگاه سازد. زیرا اگر ایمانداران غلاطیه (و یا هر ایماندار) سعی کنند که با انجام اعمال شریعت رضایت خدا و بخشش گناهان و نجات ابدی را بدست آوردن، از نجات و بخشش بواسطه فیض خدا بی‌نصیب خواهند ماند.

در طول تاریخ دو هزار ساله کلیسا، بارها اهمیت رساله پولس به غلاطیان به اثبات رسیده است. با مطالعه این رساله بود که مارتین لوتر متوجه تعالیم اشتباه کلیسای کاتولیک آن زمان گشته، جنبش اصلاح دینی (پروتستانیزم) را شروع نمود. با

مطالعه این رساله، وی فهمید که انسانهای گناهکار فقط به وسیله فیض خداوند و ایمان به عیسی مسیح نجات خواهند یافت و بدون ایمان، کارهای شریعت، مانند عضویت کلیسا، انجام کار نیک، پیروی از مراسم دینی و غیره، باعث نجات کسی نخواهد شد. انسان غرق گناه و دنیوی، فکر می‌کند می‌تواند با توسل به نیروی خود، خویشتن را نجات بخشد. او سعی می‌کند با انجام انواع اعمال دینی و پیروی از مناسک و مراسم دینی، خود را مقبول خدا سازد. او سعی دارد بدون اتکا به نیروی خدا، مقدس و پاک گردد. ولی سعی او بر فنا است! تنها به وسیله فیض و بخشش رایگان خدا است که بخشش از گناهان و نجات حاصل می‌گردد. تنها به وسیله فیض است که اعمال نیکوی ما نزد خدا مقبول خواهد افتاد. خدای مهربان، از سر خیر و رحمت و فیض خود دری به سوی بهشت گشود تا هر گناهکاری با ایمان آوردن به عیسی مسیح، از آن در گذشته وارد بهشت و ملکوت خدا گردد. این مهم‌ترین تعلیم این رساله و مرکز ثقل پیام پولس رسول به غلاطیان می‌باشد.

جهت مطالعه بیشتر پیرامون زندگی پولس، مقدمه رساله به رومیان را مشاهده کنید.

### رئوس مطالب

الف) مقدمه (۱:۱-۱۰).

- ۱- سلام و درودها (۱:۱-۵).
- ۲- دلیل نگارش رساله (۱:۶-۱۰).
- ب) پولس از رسالت خود دفاع می‌کند (۲:۱-۲۱:۱۱).
- ۱- پیام پولس (انجیلی که پولس بشارت می‌دهد) مستقیماً از سوی خدا دریافت شده است (۱:۱۱-۲۴).
- ۲- روابط پولس با دیگر رسولان مسیح (۲:۱۴-۱).
- ۳- ناتوانی شریعت یهود (۲:۱۵-۲۱).
- ج) پولس از انجیل دفاع می‌کند (۳:۱-۳:۳۱).
- ۱- عدالت به وسیله ایمان (۳:۱-۱۴).
- ۲- شریعت و وعده (۳:۱۵-۲۹).
- ۳- نگرانی پولس به جهت غلاطیان (۴:۱-۳۱).
- د) دعوت به زندگی پاک (۵:۱-۶:۱۸).
- ۱- خطر انحراف از فیض (۵:۱-۱۲).
- ۲- حیات تازه به کمک روح خدا (۵:۱۳-۲۶).
- ۳- دو رهنمود عملی (۶:۱-۱۰).
- ۴- نتیجه‌گیری (۶:۱۱-۱۸).

## باب ۱ سلامها (۱:۱-۵)

۱ پولس، رسولی بود که مستقیماً از سوی خدا و از طرف عیسی مسیح برگزیده شده و خوانده شده بود. او دعوت خود را از سوی هیچ انسانی دریافت نکرده بود. در عهدجدید، عنوان رسول به کسی داده می‌شود که از سوی عیسی مسیح جهت موعظه و بشارت انجیل و بنا کردن کلیساها انتخاب و فرستاده می‌شود. اغلب رسولان عهدجدید، مسیح قیام کرده را با چشمان خود دیده بودند. پولس در حالی که به منظور دستگیری و جفای مسیحیان به دمشق می‌رفت، در راه دمشق با عیسی قیام کرده روبرو شد و به این ترتیب او نیز عیسی مسیح را پس از رستاخیزش ملاقات کرد (اعمال ۹:۳-۶؛ ۲۶:۱۲-۱۵؛ اول قرنیتیان ۸:۱۵ را مشاهده کنید). در آن هنگام، او از سوی مسیح دعوت رسالت یافت و مأموریت بشارت انجیل به امتهای (غیریهودیان) به عهده او سپرده شد (اعمال ۹:۱۵؛ ۱۸-۱:۲۶). اینک پولس با اقتدار رسول عیسی مسیح، به غلاطیان، و نیز به ما، این رساله را می‌نویسد. پس بر غلاطیان است که سخنان او را شنیده از احکام او اطاعت کنند. و باشد که ما نیز به کلام خدا که به توسط پولس رسول بیان می‌شود توجه کنیم (رومیان ۱:۱، افسسیان ۱:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

توجه کنید که چگونه دعوت رسالت پولس از سوی عیسی مسیح و خدا پدر می‌باشد. عیسی مسیح و پدر یکی هستند. آنها همیشه با هم در اتحاد بوده، اهداف و اعمالشان یکی است. هرچند که در بعضی از آیات از عیسی یاد شده است و در بعضی دیگر از پدر؛ اما باید این نکته را درک کنیم که پدر و پسر و روح القدس، در هر امری با یکدیگر کمال هماهنگی را به خرج می‌دهند.

ما مسیحیان نیز، همانند پولس به توسط عیسی مسیح و پدر به امر خدمت خوانده

شده‌ایم. هر چند ممکن است مانند پولس، اقتدار و توانایی رسول را نداشته باشیم، ولی وظیفه اطاعت از دعوت خداوند، کماکان بر دوش ما وجود دارد. به خاطر داشته باشیم که وظیفه خطیر بشارت و دعوت مردم به توبه و نجات، تنها به عهده پولس و یا قهرمانان بزرگ ایمان قرار داده نشده است. وظیفه شاگرد سازی و دعوت همسایگانمان به سوی عیسی مسیح بر دوش همه مسیحیان می‌باشد. همه ما به همکاری و خدمتگزاری عیسی مسیح دعوت شده‌ایم. این باور غلط را ذهن خود دور کنیم که تنها رسولان و اعضای برجسته کلیسا قدرت خدمت خدا را دارند. خداوند به همه مؤمنین قدرت انجام کارهای بزرگ را عطا فرموده است. بوسیله روح القدس که در قلب و وجود ما زندگی می‌کند، ما نیروی لازم جهت انجام کار خدا را دریافت کرده‌ایم. عیسی مسیح خود فرمود: «آمین آمین به شما می‌گویم هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم» (یوحنا ۱۴:۱۲).

۲ مشخص نیست که مخاطبین پولس رسول کدام یک از کلیساهای غلاطیه می‌باشند. بسیاری از مفسرین معتقدند که پولس رسول این رساله را به کلیساهای جنوبی ایالت غلاطیه یعنی پسیدیّه، انطاکیه، ایقونیه، لستره، و دربه نوشته است (اعمال ۱۳:۱۴؛ ۱۴:۱، ۶، ۲۱-۲۲؛ ۱۶:۱-۲ را مشاهده کنید). در اولین سفر بشارتی خود، پولس رسول از تمامی این شهرها گذر کرده بود و به آنها بشارت داده، کلیساهای خدا را در آن مناطق پایه نهاده بود.

۳ پولس برای خوانندگان خود دعای فیض و سلامتی می‌کند. فیض و سلامتی دو پایه و ستون اصلی انجیل می‌باشند. اول فیض و سپس سلامتی. فیض همیشه در جای اول قرار دارد. همه خوبیها، هر نعمتی، و هر زیبایی از فیض خدا سرچشمه گرفته و به خاطر فیض

**تعجب** می‌کند. غلاطیان در مدت بسیار کوتاهی از انجیل فیض به سوی **انجیلی دیگر** برگشته بودند.

دلیل انحراف و برگشتن غلاطیان این بود که بعضی از مسیحیان یهودی نژاد از اورشلیم به غلاطیه رفته بودند و ایمانداران نو ایمان غلاطیه را تحت تأثیر خود قرار داده بودند. آنها از **انجیلی دیگر** پیروی می‌کردند. آن «انجیل دیگر»، دریافت نجات به توسل بر اعمال و پیروی از شریعت بود. این عمل یهودی‌گران، ایمانداران غلاطیه را **مضطرب** ساخته بود (آیه ۷). پولس می‌گوید «**انجیل دیگر نیست**»؛ «انجیل» آنها، خبر خوش نیست. زیرا فقط یک «انجیل» وجود دارد؛ آن انجیل عبارت است از نجات به خاطر فیض و بوسیله ایمان به عیسی مسیح.

غلاطیان چه عمل خطرناک و اشتباهی انجام می‌دادند! به وسیله موعظه پولس رسول، غلاطیان ایمان آورده، فیض خدا را رایگان دریافت کرده بودند. ولی بدبختانه، اینک می‌خواهند هم پولس و هم انجیل نجات را ترک کنند. آنها با این عمل خود، فیض خدا را انکار کرده آن را دور می‌انداختند.

پولس این رساله را به منظور رویارویی با آن معلمان کذب می‌نویسد. این معلمان **می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند**. آنها می‌گفتند که فیض عیسی مسیح برای نجات کافی نیست، و برای نجات یافتن باید از مقررات شریعت یهود نیز اطاعت نمود. اینگونه تعالیم، باعث بی‌ارزش یا کم‌ارزش شدن فیض عیسی مسیح خواهد شد. اگر فیض از انجیل ربوده شود، انجیل دیگر خبر خوشی برای گفتن نخواهد داشت! پولس نمی‌خواهد که فرزندان روحانی او از انجیل مسیح به سوی «انجیلی دیگر» منحرف شوند.

موضوع مهمی که به هنگام مطالعه این رساله باید در نظر داشت این است که پولس رسول این رساله را به منظور مقابله با تعلیمات

الهی است. به خاطر فیض، خواننده شده‌ایم. به خاطر فیض بخشایش از گناهان را دریافت کرده‌ایم. به خاطر فیض نجات یافته‌ایم. محض فیض، عادل شمرده شده، نزد خدا اجازه دخول داریم. به خاطر فیض مقدس کرده شده‌ایم و به لحاظ فیض بود که ما نزد خدا سلامتی داریم. بدون فیض، پیام انجیل خالی و بی‌محتوا خواهد بود. به خاطر فیض خدا بود که عیسی مسیح به زمین آمده، برای گناهان ما مصلوب شد (آیه ۴). فیض خدا مجانی و بی‌نهایت است. و خدای مهربان از سر رحمت و محبت خود، فیضش را به کسانی می‌بخشد که لیاقت دریافت آن را ندارند. بیایید هرگز از شکر و حمد خدا برای جلال فیضش دست برنداریم (رومیان ۱: ۷؛ ۱: ۲؛ ۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

توجه کنید که فیض و سلامتی، هر دو از **جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح** صادر می‌شود. پدر و عیسی مسیح، هر دو یکی هستند (یوحنا ۱۰: ۳۰ و تفسیر آن و همچنین مقاله عمومی «عیسی مسیح» را مشاهده کنید). ما مسیحیان به توحید در تثلیث معتقدیم.

**۴-۵ عیسی مسیح خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این عالم حاضر شریو به حسب اراده خدا و پدر ما خلاصی بخشد.** هدیه او، نجات او، و فیض او کامل و از هر جهت کافی می‌باشد. برای دریافت آن فیض، کافی است که به او ایمان آورده، به او اعتماد کنیم.

عیسی مسیح، ما را از شرارت و زشتیهای این عالم حاضر خلاصی بخشیده است. در حال حاضر، این جهان قلمرو شیطان است. شیطان **رئیس این جهان** است (یوحنا ۱۶: ۱۱). عیسی مسیح ما را از این جهان بیرون نمی‌برد، بلکه او ما را از شرارت و گناه این عالم، خلاصی می‌بخشد (یوحنا ۱۷: ۱۵).

### انجیل دیگری نیست (۱: ۶-۱۰)

۶-۷ پولس رسول از رفتار غلاطیان

واقعی نیست. آنها می‌گفتند که پولس به منظور جلب رضایت مردم غلاطیه و جمع آوری شاگرد، پیام انجیل را ساده‌تر از آنچه هست نموده و با این کارش تعالیم شریعت یهود را زیر پا می‌گذارد.

پولس رسول در این آیه اعلام می‌کند که او در پی **رضامندی مردم** نیست (اول تیموتائوس ۱:۲۰ را مشاهده کنید). برعکس، پولس رسول در این رساله، غلاطیان را به شدت مورد توبیخ قرار می‌دهد. پولس رسول در این آیه خاطر نشان می‌سازد که غیر ممکن است که در آن واحد هم رضامندی مردم را جلب کرد و هم رضای خدا را بدست آورد. پولس می‌گوید: «**اگر تا بحال رضامندی مردم را می‌خواستیم، غلام مسیح نمی‌بودم**». یک رسول و یا یک واعظ انجیل، بایستی بی‌توجه به سرزنشهای دیگران و مخالفتهای مردم باشد و با امانت انجیل عیسی مسیح را وعظ کند (اول تسالونیکیان ۲:۴). مهم‌ترین وظیفه یک واعظ و خادم انجیل موعظه و تعلیم کلام خدا، بشارت انجیل عیسی مسیح و هدایت مردم به سوی طریق نجات است (اول قرنتیان ۹:۱۹، ۲۲-۲۳).

### دعوت پولس از سوی خدا است (۱:۱۱-۲۴)

**۱۱-۱۲** در این آیات، پولس به غلاطیان می‌گوید که او حقیقتاً رسول عیسی مسیح است. او به انجیلی که مستقیماً از سوی عیسی مسیح دریافت کرده است بشارت می‌دهد. پولس به غلاطیان اطمینان می‌دهد که تعلیم او از سوی عیسی است: **زیواکه من آن را (انجیل و پیام نجات را) از انسان نیافتیم و نیاموختیم، مگر به کشف عیسی مسیح (آیه ۱۲)**. پولس اولین مکاشفه خود را در راه دمشق دریافت کرد؛ در آنجا بود که پولس برای اولین بار با مسیح قیام کرده روبرو شد (اعمال ۹:۳-۵). انجیل مسیح چیزی نیست که ساخته و

غلط عده‌ای مسیحیان یهودی تبار و تعلیم غلط آنها مبنی بر لزوم پیروی از شریعت و آداب و رسوم مذهبی یهود و لزوم ختنه، نوشته است. اهمیت این رساله در این است که این تعالیم (و تعالیماتی مشابه آن)، هنوز کلیسا را تهدید می‌کنند. مهم نیست که در چه قرنی زندگی می‌کنیم و از چه پیشینه قومی هستیم، هر جا که برویم، افرادی را پیدا خواهیم کرد که می‌گویند: «انجام این کار و پیروی از آن رسم و رسوم مذهبی، برای نجات یافتن اساسی و لازم است». این تعلیمی بسیار غلط و مضر و خطرناک می‌باشد. حقیقت انجیل این است که انسانها فقط به واسطه فیض و محبت خدا و هدیه عیسی مسیح که به وسیله ایمان دریافت می‌شود، نجات خواهند یافت. این چکیده و عصاره انجیل عیسی مسیح می‌باشد.

**۱-۹** با خواندن این آیات متوجه عمق و میزان اهمیت انجیل و مژده کار خداوند می‌شویم. هرگز به خود جرات دخل و تصرف در پیام انجیل را ندهید! هیچ واعظ، یا معلمی، حتی فرشته خدا اجازه تغییر دادن پیام انجیل را ندارد. بنابراین، متوجه می‌شویم که موعظه و تعلیم کلام خدا چه مسئولیت بزرگ و خطیری است. ما بایستی کلام خدا را با کمال دقت و امانت تعلیم دهیم و در هنگام موعظه کلام منتهای احتیاط را به خرج دهیم. زیرا اگر در بشارت، موعظه و یا تعلیم کلام احتیاط لازم را به خرج ندهیم، مضمول «**اناتیما**» (**لعنت ابدی**) از سوی خدا خواهیم گشت.

باشد که آنانی که کلام را می‌شنوند نیز به نوبه خود، هشدار کلام را جدی گرفته، در حفظ آن کلام بکوشند و خود را در مقابل فریب و نیرنگ معلمان کذب حفظ نمایند.

**۱۰** مخالفین پولس در غلاطیه، یعنی مسیحیان یهودی نژاد، او را به سعی در جلب رضایت مردم متهم می‌کردند؛ ایشان می‌گفتند که پیامی که پولس رسول تعلیم می‌دهد انجیل

جهت بشریت است. عیسی مسیح فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید» (یوحنا ۱۴:۶).

۱۳-۱۴ پولس رسول در اینجا به شرح وقایع زندگی پیش از ایمان خود و چگونگی ایمان آوردنش می پردازد. پیش آنکه با عیسی روبرو شود و ایمان آورد، پولس با جدیت و خشونت تمام به تعقیب و دستگیری مسیحیان می پرداخت و کلیساها را مورد آزار و اذیت قرار می داد (اعمال ۸:۳؛ ۹:۱-۲؛ ۲۲:۴). او با غیرت و تعصب و صف ناپذیری از یهودیت<sup>۲</sup> پیروی می کرد (اعمال ۲۲:۳؛ فیلیپیان ۳:۴-۶). یهودیان معتقد بودند که تنها بوسیله پیروی از احکام شریعت، نجات خواهند یافت، و پولس رسول نیز پیش از ایمانش کاملاً با این اعتقاد موافق بود. ولی اکنون، پولس تعلیمی متفاوت دارد. اینک او اعلام می کند که نجات، تنها به وسیله ایمان به عیسی مسیح مَسِیَس می باشد. همان عیسانی که تا چندی پیش پیروانش را مورد شکنجه و آزار قرار می داد! فقط خدا قادر بود که

پرداخته فکر انسان باشد. پیام انجیل، همان خبر خوش کار و عمل عظیمی است که خداوند، خود انجام داده است. انجیل، حقیقت و مکاشفه کامل و حقیقی خداوند و طریق نجات و رسیدن به خدا می باشد.

اغلب ما مسیحیان، پیام انجیل را نخستین بار یا از طریق شنیدن موعظه و یا تعلیم دریافت کرده ایم، و یا بوسیله خواندن کلام خدا از پیام نجات آگاه گشته ایم. ولی هستند کسانی که به طور مستقیم به وسیله روح القدس، با عیسی مسیح آشنا شده، به او ایمان می آورند. نکته ای که باید به آن توجه داشت، این است که روح القدس هرگز مکاشفه ای جدید و تعلیمی مخالف آنچه در کتاب مقدس وجود دارد نخواهد داد. مکاشفه روح القدس همیشه همسوی تعلیم و پیام کتاب مقدس است.<sup>۱</sup> پولس رسول، پیش از آنکه عهد جدید به رشته تحریر در آید، این مکاشفات را از روح القدس دریافت نموده بود. اگر پولس تعلیم خود را از سوی انسان دریافت کرده بود، پیامش به یک معنا، «تحت نفوذ» آن فرد قرار می گرفت، و او به عوض آنکه رسول تمام عیار مسیح باشد، «شاگرد» یا «رسول درجه دو» محسوب می گردید. ولی پولس، رسولی همپراز با دیگر رسولان مسیح از قبیل کیفا (پطرس)، یوحنا، یعقوب می باشد (آیه ۹). پولس تعلیمش را از انسان نیاموخته بود و هیچ فردی پولس را اعزام و ارسال نکرده بود! او رسولی حقیقی است و تعلیمی حقیقی دارد. به نفع غلاطیان است که این نکته را فراموش نکنند!

باشد که ما نیز به این حقیقت شک نکنیم! بسیاری از اطرافیانمان در این جهان حاضر، شکاک و بی دین هستند. آنها می گویند: «دانستن حقیقت امکان پذیر نیست!» می گویند: «همه ادیان خوبند و همگی قادرند که بشریت را به سوی خدا و بهشت رهنمون شوند!» ولی این افراد در اشتباهند. انجیل مسیح، تنها خبر خوش

۱- از آنجا که کتاب مقدس به توسط وحی روح القدس نگارش گردیده است، روح القدس همیشه مطالب کتاب مقدس را تأیید و تأکید نموده، هرگز برخلاف مطالب آن چیزی نخواهد گفت. جهت اطلاع بیشتر در این زمینه به مقاله عمومی «کتاب مقدس چگونه به دست ما رسید» مراجعه نمایید.

۲- «یهودیت»، مذهب و رویه زندگی یهودیان است. حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح، خداوند ابراهیم را خواند تا پدر قوم بنی اسرائیل شود. خدا، اسرائیل را برگزید تا قوم خاص او شوند. او به آنها، قانون (شریعت یهود) را داد تا مطابق آن زندگی کنند. عهدعتیق، کتاب مقدس یهودیان است. عهدعتیق، شامل تاریخ قوم بنی اسرائیل می باشد؛ علاوه بر این، در کتاب عهدعتیق تعلیم انبیای خدا و مفاد شریعت خداوند آمده است (مقاله عمومی «خلاصه عهدعتیق» را مشاهده کنید).

اولین دیدار با رسولان دیگر مانند پطرس و یعقوب برادر خداوند، سه سال طول کشید. او از کسی درس نیاموخت و به طور مستقیم از سوی خدا و عیسی مسیح تعلیم یافته بود.

می‌دانیم که پس از ملاقات با خدا و توبه کردن و ایمان آوردنش، پولس برای مدتی به میان اعراب رفت. ولی از اینکه در آن مدت پولس چکار می‌کرد و از چگونگی آن دوران اطلاعی در دست نیست. بعید نیست که او آن دوران را به دعا و تفکر و مطالعه کتاب مقدس (عهد عتیق) گذرانده باشد. ممکن است که او در خلال آن مدت، در باره چگونگی و جزئیات دعوتش از سوی خدا تفکر می‌کرده است و از خدا تعلیم می‌گرفته است.

پس از گذراندن مدتی در **عَرَب**، پولس به **دمشق** رفت. پس از گذراندن سه سال در دمشق، بالاخره پولس به **اورشلیم**<sup>۴</sup> مراجعت نمود (آیه ۱۸).

می‌بینیم که پولس نیازمند به یک دوره آمادگی جهت خدمت بود. جهت خدمت خدا، ما نیز به یک دوره آمادگی محتاج می‌باشیم. هیچ یک از ما، به خودی خود و یکباره به بلوغ روحانی دست پیدا نمی‌کنیم. اراده خدا این است که ما را به صورت پسرش عیسی مسیح مبدل سازد، و این امر محتاج به صبر و گذشت زمان است. برای مثال دوران آماده سازی موسی

۳- در بعضی از ترجمه‌ها، به جای «در من» از عبارت «به من» استفاده گردیده است. عبارت «در من» ترجمه صحیح متن یونانی می‌باشد.

۴- اورشلیم، مرکز ایالت یهودیه، واقع در جنوب کشور اسرائیل بود. هیکل (معبد) اصلی یهودیان در شهر اورشلیم مستقر بود و از این جهت، اورشلیم برای یهودیان مهمترین مکان و مقدس‌ترین شهر عالم محسوب می‌گشت. از سوی دیگر، شهر اورشلیم محل داد و ستد و مرکز تجاری اسرائیل بود. و حتی تا امروز، اورشلیم مهمترین شهر اسرائیل به شمار می‌رود.

باعث این چنین تغییری در قلب و ذهن پولس گردد.

**۱۵** پیش از آنکه پولس پا به جهان گذارد، خدا او را برای خدمت رسالت جدا نموده بود. به همین شکل، خداوند تک‌تک ما را نیز پیش از تولدمان (مزمور ۱۳۹: ۱۳-۱۶)، حتی پیش از **بنیاد عالم در او (عیسی مسیح) برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی‌عیب باشیم** (افسیسیان ۴: ۱). خدا ما را بر حسب اعمال نیکو و قابلیت‌های مثبتمان برگزیده است؛ بلکه تنها دلیل انتخاب ما، فیض و محبت بیکران الهی می‌باشد. پولس در اینجا به این نکته اشاره نموده می‌گوید: **خدا... به فیض خود مرا خواند** (اول قرنتیان ۹: ۱۵-۱۰ را مشاهده کنید). برگزیدگی ما به لیاقت ما بستگی ندارد؛ زیرا خدا پیش از تولدمان، ما را برگزیده است.

اکنون این سوال مطرح می‌شود که «خدا ما را برای چه منظوری برگزیده است؟» نخست، او ما را برای دریافت نجات انتخاب نموده است. دوم اینکه، خدا ما را برگزید تا فرزندان او شویم (افسیسیان ۵: ۱)؛ تا اینکه **هم ارث با مسیح** گردیم (رومیان ۸: ۱۷). سوم اینکه، خدا ما را به منظور انجام عمل و وظیفه‌ای که برایمان مقرر فرموده است، انتخاب می‌کند (افسیسیان ۲: ۱۰). به عنوان مثال، خداوند پولس را برای بشارت و رساندن پیام انجیل به **امت‌ها**، انتخاب نموده بود (آیه ۱۶).

**۱۶** در اینجا پولس می‌نویسد: **خدا... رضا بدین دارد که پسر خود را در من آشکار سازد**<sup>۳</sup>.

کافی نیست که مسیح به ما آشکار شود؛ بلکه خداوند بایستی **در** ما نیز آشکار گردد. مسیح - یاروچ پاک عیسی مسیح (روح القدس) - باید در ما زندگی کند و در ما بماند، در غیر این صورت دینداری ما خالی از واقعیت و میان تهی خواهد شد و در زندگی روحانی‌مان به عوض قدرت و پیروزی، ضعف و شکست تجربه خواهیم نمود.

**۱۷** از زمان توبه و ایمان آوردن پولس تا

دیدار **پطرس رسول**<sup>۵</sup> شد. پولس درس رسالت را از پطرس نیاموخته بود. از این سبب، از لحاظ رتبه و قدرت و اختیارات رسالت، پطرس و پولس در یک ردیف قرار دارند. چرا پولس خود را به نوشتن این مطالب ملزم می‌داند؟ دلیل این کار، سخنان دشمنان پولس در غلاطیه می‌باشد که می‌گفتند پطرس رسول واقعی عیسی مسیح است و پولس از امتیاز رسالت خداوند بی‌بهره است.

در کتاب اعمال رسولان ۹: ۲۶-۳۰، شرح این ملاقات پطرس و پولس ذکر گردیده است. **۱۹-۲۰** منظور از «**سایر رسولان**»، عمدتاً آن شاگردان مخصوص عیسی مسیح بود که به نام رسولان و یا حواریون معروف شده بودند. ولی به انضمام آن یازده حواری، عیسی مسیح شاگردان و رسولان دیگری نیز داشت، که **یعقوب برادر خداوند** نیز از آنها محسوب می‌شد (اول قرن تیان ۷: ۱۵). در زمان نگارش این رساله، یعقوب رهبر کلیسای اورشلیم (یا کلیسای مادر) بود (اعمال ۲۱: ۱۸؛ غلاطیان ۲: ۹). در اینجا پولس می‌گوید که در ملاقاتش، موفق به دیدن رسولان دیگر نشد و تنها با پطرس و یعقوب ملاقات نموده است.

**۲۱** پولس فقط پانزده روز در اورشلیم ماند (آیه ۱۸). او در اورشلیم و نواحی اطراف آن موعظه نکرد و به کار بشارت نپرداخت، بلکه پس از ملاقاتش با پطرس و یعقوب، **به نواحی سوریه و قیلیقیه**<sup>۶</sup> رفت تا به امتهای بشارت دهد. **۲۲-۲۴** کلیساهای یهودیه هنوز از پولس به عنوان شکنجه‌گر سابق یاد می‌کردند به وی

۵- در برخی نسخه‌های کتاب مقدس به عوض «پطرس» از کلمه «کیفا» استفاده شده است. نام عبری پطرس، شمعون بود ولی او به کیفا و پطرس نیز ملقب بود. بنابراین کیفا، نام دیگر پطرس می‌باشد.  
۶- قیلیقیه، ایالتی در آسیای صغیر واقع در شمال سوریه و جنوب کشور ترکیه امروزی می‌باشد.

قهрман بزرگ عهدعتیق، چهل سال به درازا کشید. در نتیجه، زمانی که موسی آمادگی رسالت را یافته و خداوند او را به خدمت گرفت، موسی هشتاد ساله بود (خروج ۷: ۷؛ اعمال ۷: ۲۳، ۳۰). فکر نکنیم که ما بدون آماده شدن، قادر به انجام دادن کار خداوند می‌باشیم. به خاطر فیض خدا خوانده شده‌ایم؛ و به واسطه فیض خدا آماده خواهیم شد. خدا هر روزه تک تک ما را آماده می‌سازد و این عمل بازسازی ما تا آخرین لحظه حیاتمان ادامه خواهد داشت. بر ما مسیحیان لازم است که تا آخرین لحظه زندگی خود، عمقهای فیض و محبت و رحمت خدا را تجربه نماییم.

همه چیز از فیض خداست. به خاطر فیض خداست که ستارگان و اجرام آسمانی در مدارهای خود قرار دارند. به خاطر فیض خداست که کره زمین در فاصله کاملاً مناسب از خورشید قرار گرفته است، و به دلیل فیض خدا است که کره زمین نه ذوب می‌شود و نه منجمد می‌گردد. به دلیل فیض خدا است که زندگی می‌کنیم، می‌خوریم و می‌خندیم و نفس می‌کشیم. خداوند توانا برای پیش برد نقشه‌های خود به انسانهای ضعیف همچون ما نیاز ندارد. همه هستی و نظام کائنات بر اساس فیض الهی می‌باشد. به همین منوال، محبت خدا نسبت به ما نیز در گرو وفاداری و خوبی ما نمی‌باشد. او ما را به خاطر آنچه که می‌کنیم محبت نمی‌کند؛ بلکه ما را آنگونه که هستیم دوست می‌دارد. دلیل خدا برای دوست داشتن ما این است که او پدر ماست و مانند پدری مهربان، فرزندان خود را محبت می‌کند. و باز به لحاظ فیض اوست که ما فرزندان او گردیده‌ایم! پس اینک، خواهان و برادران عزیز، با توجه به این محبت بدون شرط خداوند، بیاید در زندگی خود و در رفتارمان با یکدیگر، در پی **ستایش جلال فیض** خداوند باشیم (افسیسیان ۱: ۶).

**۱۸** پولس بالاخره پس از سه سال، موفق به



یک طرف مناقشه مسیحیانی بودند که از زمینه یهودی به کلیسا آمده بودند و در سمت دیگر، این جر و بحثها، مسیحیانی بودند که از زمینه غیریهودی ایمان آورده بودند. مسیحیان یهودی تبار اصرار داشتند که بر امتهای واجب است که از قوانین شریعت یهود اطاعت کنند (اعمال ۱۵:۱-۵). ولی پولس از مسیحیان غیر یهودی طرفداری کرد و به شدت با مسیحیان یهودی تبار مخالفت نمود. او می‌گفت که برای مسیحیانی که از زمینه غیریهودی به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند، پیروی از مقررات شریعت یهود لازم نیست. بنابراین، زمانی که مسیحیان یهودی نژاد از اورشلیم و نواحی اطراف به غلاطیه رفتند و مسیحیان غیر یهودی را مجبور به حفظ آداب و شریعت یهود ساختند؛ پولس به اورشلیم رفت تا در حضور رهبران کلیسای اورشلیم، با این تعالیم غلط مبارزه کند.

۲ پولس در نتیجه «الهامی» که از روح‌القدس دریافت نموده بود به اورشلیم سفر کرد. در طی زندگی و خدمت پولس، روح خدا بارها به وسیله مکاشفه و تعلیم و الهامات، پولس را هدایت کرده بود (اعمال ۱۶:۶-۱۰؛ ۱۷:۲۲-۱۸؛ ۲۳:۲۲-۲۶ را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید: زمانی که به اورشلیم رسیدم، با رسولان و رهبران کلیسای اورشلیم ملاقات کردم و **انجیلی را که در میان امتهای بدان موعظه می‌کنم، به ایشان عرضه داشتم.** این انجیل کدام بود؟ این همان انجیل فیض عیسی مسیح بود که پولس همواره بدان موعظه می‌کرد. انجیل فیض می‌گوید: «هیچ کس با نگاه داشتن احکام شریعت یهود نجات نخواهد یافت و

اعتماد کامل نداشتند. آنها از اعمال شریر و بد گذشته پولس آگاه بودند. از آنجا که پولس به کلیسای یهودیه موعظه نکرده بود، ایشان با پولس جدید و تغییراتی که در زندگی او به وقوع پیوسته بود آشنا نبودند. معهذاً، ایشان می‌دانستند که خداوند پولس را برگزیده است و او را به عنوان رسول خود انتخاب نموده و زندگی او را بکلی دستخوش تغییر کرده است. آنها از خدمات پولس در نواحی سوریه و قلیقیه آگاه بودند و خدا را به خاطر وجود پولس تمجید می‌گفتند. آن کسانی که تا دیروز مورد آزار و اذیت پولس قرار داشتند، امروز خدا را برای وجود پولس شکر می‌گفتند! ولی مسیحیان غلاطیه که هرگز از پولس رسول بدی ندیده بودند، از وی رویگردان گردیده بودند! آنانی را که پولس مثل فرزندان خود محبت می‌نمود، امروز از او رویگردان شده بودند.

## باب ۲

### پذیرش پیام پولس بوسیله رسولان (۱:۲-۱۰)

۱ بسیاری از مفسرین معتقدند که این سفر پولس به اورشلیم، همان سفری است که در اعمال ۱۵:۱-۲۹ ذکر گردیده است.<sup>۷</sup> یکی از افرادی که در این سفر پولس را همراهی می‌کرد **برنابا**، دوست و همکار نزدیک پولس رسول بود. برنابا، چندین بار پولس را در سفرهای بشارتی‌اش همراهی کرده بود (اعمال ۹:۲۷؛ ۱۱:۲۲-۲۶؛ ۱۳:۲-۳). همسفر دیگر پولس، مرد جوانی بنام «**تیطس**» بود که در دوم قرن‌تیاں ۷:۶-۷، ۱۳؛ ۸:۱۶-۱۷، ۲۳، از وی یاد شده است. بعدها پولس نامه‌ای به تیطس نوشت که با نام «رساله به تیطس» در عهدجدید گنجانده شده است.

دلیل این سفر پولس به اورشلیم، در اعمال ۱۵:۱-۲ آمده است. در زمان پولس، مناقشه‌ای بزرگ بین دو دسته از مسیحیان در گرفته بود. در

۷- از سوی دیگر، برخی از مفسرین کتاب مقدس

با این عقیده موافق نیستند و می‌گویند که این آیه به مسافرتی دیگر اشاره می‌کند که شرح آن در اعمال ۱۱:۲۹-۳۰ آمده است.

خاص و پیروی از دستورات مشخص و از پیش تعیین شده، جهت نجات یافتن لازم است. اساس و پایه این ادیان، سعی در کسب رضایت خداست. ولی مسیحیت کاملاً متفاوت است. بر طبق انجیل مسیح، هیچ کس قادر نیست که با توکل به اعمال خود رضای خدا را بدست آورد. نجات، هدیه خداوند است که از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌گردد.

۴ پولس رسول آن افرادی را که می‌گفتند: «جهت دریافت نجات باید رسم ختنه را نگاه داشت»، **برادران کذب** خطاب می‌کند. ایشان مسیحی واقعی نبودند. پولس می‌گوید: **ایشان را خفیه درآوردند و خفیه درآمدند تا آزادی ما را که در مسیح عیسی داریم، جاسوسی کنند.** آنها مانند جاسوسان و به طور مخفیانه (در حالی که بی‌ایمانی خود را زیر نقاب ایمان تصنعی به مسیح مخفی کرده بودند) وارد کلیساها شده بودند. ایشان به لباس میسها آمده بودند ولی در **باطن گرگان درنده** بودند (متی ۷:۱۵). آنها خادمین شیطان بودند و می‌خواستند آزادی مسیحیان را ربوده، کسانی را که به تازگی از اسارت ابلیس آزاد گردیده بودند به **بندگی درآوردند** و در بند رسوم شریعت، اسیر سازند. ابلیس می‌داند که هرگز قادر به ربودن نجات ما

۸- پسران یهودی در روز هشتم تولد ختنه می‌شدند (پیدایش ۱۷:۹-۱۴). در زمان پولس رسول، ختنه از علائم مهم یهودیت بود. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید به «ختنه» در فهرست لغات.

۹- یونانیان، ساکنان کشور یونان در جنوب قاره اروپا، می‌باشند. در زمان پولس (قرن اول میلادی)، یونان بخشی از امپراطوری روم محسوب می‌شد. یونانیان، از امتهای غیر یهودی بودند. یونان همواره به عنوان مرکز و مهد تمدن شناخته شده است. در قرن اول میلادی، اکثریت افراد تحصیل کرده با زبان یونانی آشنایی داشتند. و برای همین است که کتاب مقدس به زبان یونانی نوشته شده است.

بشریت صرفاً به خاطر فیض خدا و از راه ایمان به عیسی مسیح نجات می‌یابد. اگر رهبران یهودی نژاد اورشلیم پیام پولس را قبول نمی‌کردند، آنگاه پیغام پولس بلااستفاده می‌گردید. و او حقیقتاً **عبث** دویده بود.

دلیل پولس از ملاقات خصوصی **در خلوت** با رهبران کلیسای اورشلیم این بود که او نمی‌خواست که جو سازی کند و یا باعث اغتشاش و نا آرامی در میان مسیحیان اورشلیم گردد.

۳ ملاقات پولس رسول با رهبران کلیسای اورشلیم، موفقیت آمیز بود. یکی از مهمترین مسائلی که در شورای رسولان مطرح گشت، موضوع لزوم و یا عدم اجبار **ختنه**<sup>۸</sup> و لزوم سرسپردگی به قوانین مذهبی یهودیان بود. مسیحیان یهودی نژاد، بر لزوم ختنه اصرار می‌نمودند، حال آنکه پولس رسول می‌گفت که لازم نیست امتهای ختنه شوند. در نهایت، اعضای شورای اورشلیم، با پولس موافقت کردند. پولس رسول به عنوان شاهد این توافق، می‌گوید: **«لیکن تیطس نیز که همراه من و یونانی<sup>۹</sup> بود، مجبور نشد که مختون شود».** به عبارت دیگر، رهبران کلیسای اورشلیم، تیطس را بی‌آنکه ختنه شود، به عنوان یک برادر مسیحی پذیرفتند.

شاید این مطالب برای ما خواننده امروزی کمی ساده و بی‌اهمیت جلوه کند، ولی در تاریخ تکوین و شکل‌گیری مسیحیت، تصمیم شورای اورشلیم از اهمیت بسزایی برخوردار بود. زیرا از آن پس، کلیسا به طور رسمی این تعلیم را پذیرفت و تعلیم داد که «انسانها با تکیه به حفظ و پیروی احکام شریعت و یا پیروی از قوانین و رسوم انسانی نجات نخواهند یافت بلکه نجات تنها به وسیله فیض و ایمان به عیسی مسیح میسر است. این انجیل عیسی مسیح است. این همان وجه تمایز میان مسیحیت و ادیان دیگر است. بر اساس تعلیم ادیان دیگر، انجام کارهای

نیست (یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹). بنابراین، او سعی می‌کند که آزادی و خوشی ما را برآید.

چگونه می‌توان این «برادران کذب» یا «معلمان دروغین» و یا «انبیای کذب» را شناخت؟ برای این کار دو راه وجود دارد. نخست، آنها را به وسیلهٔ تعالیمشان می‌توان شناخت (اول یوحنا ۴: ۱-۳). هرکسی که ایمان داشته باشد و اعتراف کند که عیسی مسیح در جسم آمده است و اینکه عیسی مسیح پسر خدا است، برادر راستین ما می‌باشد (رومیان ۹: ۱۰ را مشاهده کنید). ثانیاً، ما برادران کذب را به وسیلهٔ اعمال آنها خواهیم شناخت (متی ۷: ۱۶-۱۸).

آیا امکان دارد که برادران حقیقی در دام افکار خطا و تعالیم منحرف بیفتند؟ بلی، البته این امکان وجود دارد! چنانکه پطرس (رسول بزرگ عیسی مسیح و رهبر حواریون دیگر) و نیز برنابا، فریب تعالیم غلط انبیای کذب را خوردند (آیات ۱۱-۱۳). ولی خطا و اشتباه در یک مورد، باعث نمی‌شود که آنها را با لقب «برادران کذب» شناخت و معرفی کرد!

در مورد شناختن و معرفی کردن «برادران و معلمین و انبیای کذب» بایستی کمال احتیاط را به خرج داد. وظیفهٔ اصلی ما این است که اگر دیدیم برادری در راه اشتباهی گام برمی‌دارد و یا به تعالیم غلطی پای بند گردیده است، تا حد امکان در هوشیار کردن او تلاش کنیم. ولی نباید فوری او را «برادر کذب» بنامیم! لفظ «برادر کذب»، تنها به کسانی اطلاق می‌گردد که پسر خدا، یعنی عیسی مسیح مجسم شده را انکار کنند.

در هر صورت، همیشه در کلیسا افرادی پیدا خواهند شد که به مجرد بروز اختلاف عقیده و اختلاف سلیقه، برادران خود را با لقب «برادر کذب» خطاب خواهند کرد و به دیگران این گونه تهمت‌ها را وارد خواهند کرد! ما اجازه نداریم اینگونه رفتار کنیم (متی ۷: ۱). زیرا فقط خدا قادر به تفحص دلها است (متی ۱۳: ۲۴-۳۰ را

مشاهده کنید).

۵ پولس با استواری هر چه تمامتر در مقابل تعالیم «یهودگراها» ایستادگی نمود. مقاومت و دفاع پولس رسول در شورای اورشلیم باعث شد که **راستی انجیل** نه تنها در میان غلاطیان، بلکه تا امروز **ثابت ماند**.

۶ زمانی که پولس به اورشلیم رفت، **آنانی که معتبراند**، یعنی رهبران کلیسای اورشلیم، با تعالیم پولس مخالفت نشان ندادند. ایشان موضع پولس را پذیرفتند و بر لزوم مختون شدن امتهای، و لزوم پیروی ایشان از قوانین یهود، تأکید نورزیدند.

توجه کنید که پولس رسول، رهبران اورشلیم را دارای مقامی برتر از خود نمی‌داند. پولس، خدمت رسالت خود را از سوی آنها دریافت نکرده بود، بلکه مستقیماً از جانب عیسی مسیح به خدمت رسالت خوانده شده بود. ممکن است آنها در ظاهر «معتبر» به نظر بیایند، ولی **خدا بر صورت انسان نگاه نمی‌کند**. خدا به روح انسانها نگاه کرده، ایشان را بر اساس موقعیت روحانی آنها مورد قضاوت قرار می‌دهد.

پولس تعالیم نمی‌دهد که نباید رهبران کلیسا را محترم شمرد. پولس می‌گوید او نیز رسولی همپایهٔ پطرس و یعقوب و دیگران است و از همان احترام رسولان برخوردار می‌باشد. بنابراین او خود را به پیروی از احکام آنها ملزم نمی‌داند. ولی ما ایمانداران، بایستی از رهبران خود اطاعت کنیم و آنها را مورد احترام قرار دهیم. بر ما مسیحیان لازم است که نه تنها از رهبران کلیسا اطاعت نماییم، بلکه بایستی در محیط کار نیز کارفرمایان و روسای خود را اطاعت و احترام کنیم (رومیان ۱۳: ۱-۲؛ اول پطرس ۵: ۵ را مشاهده کنید).

۷-۸ همانگونه که **بشارت** انجیل به پطرس و دیگر رهبران کلیسای اورشلیم سپرده شده بود، به همان ترتیب نیز خداوند بشارت

جمع آوری اعانات از کلیساهای امتهای و ارسال آن هدایا به کلیسای اورشلیم می‌شد (اعمال ۲۹:۱۱-۳۰؛ رومیان ۲۵:۱۵-۲۶ را مشاهده کنید).

### مخالفت پولس با پطرس (۱۱:۲-۱۴)

**۱۱ اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبرو مخالفت نمودم.** در این قسمت از رساله، پولس به اختلاف بزرگی که میان او و پطرس پیش آمده بود اشاره می‌کند. بیاد داشته باشیم که پولس رسول، پطرس را **روبه‌رو مخالفت** و ملامت نمود و پشت سر او به سخن چینی و غیبت نپرداخت. باشد که ما نیز همچین در صورت وجود اختلاف نظر با برادری، مسائل را روبه‌رو مطرح کنیم و از غیبت و دشمنی احتراز نماییم. باشد که هرگز به گناه غیبت مبتلا نگردیم.

پطرس **مستوجب ملامت بود**. او مرتکب اشتباهی شده بود که بر همگان (حتی بر خودش نیز) محرز گردیده بود.

**۱۲ اختلاف میان پولس و پطرس بر سر مسائل تعلیمی نبود، بلکه دلیل ناراحتی پولس، طرز رفتار اجتماعی پطرس بود.** پطرس با اصل عدم لزوم پیروی از شریعت جهت موافقت کرده بود. حتی خودش از آن رسوم پیروی نمی‌کرد و مانند امتهای رفتار می‌نمود (آیه ۱۴).

حال چرا پولس، پطرس را ملامت نمود؟ زیرا پطرس خود را از امتهای جدا ساخته بود و با آنها غذا نمی‌خورد. دلیل این عمل پطرس چه بود؟ دلیل این کار اشتباه پطرس این بود که بعضی «برادران یهودی» از اورشلیم آمده بودند و پطرس را به خاطر مشارکت و رفاقت و غذا

انجیل را به پولس نیز محول نموده بود. همانگونه که **بشارت مختونان** (یهودیان) به پطرس سپرده شده بود، به همان ترتیب، خدمت بشارت به **نامختونان** (امتهای) به پولس محول گردیده بود. یعنی اینکه، به همان طور که خداوند از پطرس و دیگران جهت بشارت کلام انجیل استفاده می‌نمود، پولس را نیز به کار گرفته بود. پولس رسول و پطرس رسول و دیگر رسولان به یک انجیل بشارت می‌دادند.

**۹** خوشبختانه، رهبران شورای اورشلیم، رسالت پولس و خدمت او و برنابا را به رسمیت شناختند و به ایشان **دست رفاقت** دادند. پولس می‌گوید که رهبران کلیسای اورشلیم **آن فیضی را که به من عطا شده بود دیدند**، منظور از آن فیض، همان برکت و فیض رسالت می‌باشد (افسیان ۷:۳-۸ را مشاهده کنید).

در آن هنگام، **یعقوب، کیفا (پطرس)، و یوحنا** رهبران کلیسای اورشلیم بودند. پولس ایشان را «**معتبر**» و «**ارکان**» کلیسای اورشلیم می‌نامد. **یوحنا** به شاگرد محبوب خداوند معروف بود و بعدها، انجیل یوحنا و رسالات یوحنا را نوشت. رهبران کلیسای اورشلیم با پولس و برنابا موافقت کردند و ایشان را به جهت خدمت بشارت به امتهای تأیید نمودند و قرار بر این شد که پولس در میان امتهای بشارت دهد و آنها در میان یهودیان به خدمت پردازند. این کار آنها، بسیار منطقی و حکیمانه بود زیرا خدا برخی را به خدمت خاصی دعوت می‌کند و عده‌ای را برای کاری دیگر می‌خواند. خداوند مهربان به هر یک از ما وظیفه خاصی محول نموده است. وظیفه ما این است که دعوت خداوند را پذیرفته، او را با جان و دل اطاعت نماییم.

**۱۰** رهبران کلیسای اورشلیم از پولس رسول فقط یک تقاضا کردند و آن این بود که **فقرا را یاد** بدارند. منظور ایشان فقرای کلیسای اورشلیم بود. از قسمتهای دیگر کتاب عهدجدید می‌دانیم که بخش مهمی از نیروی پولس رسول صرف

۱۰- انطاکیه، شهری مهم در شمال کشور سوریه

بود. شرح چگونگی تأسیس کلیسای انطاکیه در کتاب اعمال رسولان ۱۱:۱۹-۲۶ آمده است.

خوردن با مسیحیان غیر یهودی ملامت کرده بودند. این افراد **اهل ختنه** بودند، یعنی ایشان یهودیانی بودند که می‌گفتند «برای نجات یافتن، لازم است که امتهای غیر یهودی، ختنه شوند». و پطرس رسول به جهت راضی ساختن آنها، از مشارکت با امتهای **باز ایستاد و خویشان را جدا ساخت**.

در ذهن یهودیان، امتهای نجس محسوب می‌شدند. برای همین بود که یهودیان از ترس نجس شدن، با امتهای غذا نمی‌خوردند. با ایمان به عیسی مسیح، این عقاید غلط بایستی به کنار گذاشته شوند. ولی این اعتقاد یک‌روزه از میان نخواهند رفت. پطرس می‌دانست که جدا ساختن خود از امتهای غلط است. او می‌دانست که در عیسی مسیح، یهودیان و امتهای یکی هستند (اعمال ۲۷:۱۰-۲۸:۳؛ ۷:۱۵-۹؛ غلاطیان ۲۸:۳؛ کولسیان ۳:۱۱ را مشاهده کنید). ولی ترسها و عادات سابق پطرس بر وی غلبه نمود و باعث شد که رفتارش شایسته یک رسول مسیح نباشد. ما نیز اگر خود را به دلیل نژاد، رنگ پوست، آداب و سنن، و غیره از برادر مسیحی خود جدا نماییم، گناه می‌کنیم.

**۱۳ سایر یهودیان هم با وی نفاق کردند.** این عمل ایشان ریاکاری بود، چرا که در حرف می‌گفتند که در عیسی مسیح میان یهودی و غیریهودی فرقی وجود ندارد، ولی در عمل، طوری رفتار می‌کردند که گویی امتهای نجس هستند و مسیحی درجه دو محسوب می‌گردند. خوب است که از این اتفاق غم‌انگیز، درسی فرا بگیریم. منحرف شدن از طریق محبت بسیار راحت است. حتی رهبران بزرگی چون پطرس و برنابا ممکن است از طریق محبت منحرف شوند. و با انحراف رهبران، اعضای کلیسا نیز به دام گناه و انحراف خواهند افتاد. بنابراین، لازم است که رهبران کلیساها و جماعات روحانی، نمونه و سرمشق خوب و مناسبی جهت دیگران، مخصوصاً مسیحیان

تازه ایمان باشند (مرقس ۹:۲۴).  
**۱۴** بر اساس اعمال ۱۵:۱۳-۱۴، ۱۹؛ رهبران کلیسای اورشلیم این را تصویب کردند که برای امتهای ضرور نیست که از شریعت یهود پیروی کنند. **راستی انجیل** (حقیقت پیام مسیحیت) این است که یهودی و غیر یهودی، همگی به توسط فیض خدا نجات می‌یابند. پطرس نیز با این حقیقت موافقت کرده بود (اعمال ۷:۱۵-۱۱). از این گذشته او مانند یک فرد غیریهودی زندگی می‌کرد و خودش از رسوم یهودیان پیروی نمی‌نمود. ولی اینک، او از غذا خوردن با برادران مسیحی خود امتناع می‌ورزید زیرا آنها نامختون و غیریهودی و «نجس» بودند! با این عملش، پطرس به امتهای اعلام می‌کرد: «اگر از رسوم یهود پیروی نکنید و ختنه نشوید، با شما معاشرت نخواهم نمود! و با این رفتار، پطرس امتهای را به پیروی از مراسم دینی یهودیان ملزم می‌ساخت.

### ناتوانی شریعت یهودیان (۲:۱۵-۲۱)

**۱۵-۱۶** پولس در اینجا به سخن گفتن در باره رفتار پطرس و دیگر یهودیان ادامه می‌دهد. او می‌گوید: «ما که طبعاً یهود هستیم و نه گناهکاران از امتهای» (یهویان، همه امتهای را گناهکار تلقی می‌کردند، زیرا که از نقطه نظر آنها، کسانی که از رسوم یهود پیروی نکنند گناهکار می‌باشند). پولس ادامه می‌دهد: ولی ما یهودیان می‌دانیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود. یهودیان و غیریهودیان فقط به وسیله ایمان به عیسی مسیح «عادل» شمرده خواهند شد (اعمال ۱۱:۱۵). این همان انجیل حقیقی است که پولس از ابتدا به غلاطیان تعلیم داده بود. حال که غلاطیان به وسیله فیض عیسی مسیح نجات پیدا کرده بودند، چگونه می‌توانستند فکر کنند که پیروی اعمال شریعت برای نجات لازم است؟ این تفکر غلط باید به

کنار گذاشته شود!

در اینجا لازم است که بار دیگر، بر طریقه نجات مروری داشته باشیم و ببینیم انسانها چگونه از گناهان خود آزاد می‌گردند. اولین نکته‌ای که باید به یاد داشت این است که هر برکتی از سوی خدا و به خاطر فیض خدا به ما می‌رسد. به خاطر فیض خدا (یعنی محبت عظیم خدا)، عیسی مسیح به این زمین آمد و برای گناهان ما قربانی شد (یوحنا ۳:۱۶). همه انسانها چه یهودی و چه غیر یهودی گناه کرده‌اند (رومیان ۳:۹-۱۰)؛ بنابراین همه انسانها، خواه یهودی باشند و خواه غیر یهودی، به یک اندازه به نجات دهنده محتاج هستند تا که ایشان را از عقوبت گناهانشان برهاند (رومیان ۶:۲۳). زمانی که ما هنوز گناهکار و از راههای خدا دور بودیم، مسیح در راه ما قربانی شد (رومیان ۵:۶-۸). چون عیسی بار گناهان ما را بر خود گرفت و به جای ما تنبیه و مجازات تقصیرات ما را متحمل گردید، اینک ما که به او ایمان آورده‌ایم، از تنبیه و مجازات گناهانمان رستگار گشته‌ایم و نزد خدا «عادل» محسوب می‌شویم (رومیان ۳:۲۳-۲۴). این همه نتیجه محبت و فیض خداوند است.

پس، برای دریافت نجات چه کاری لازم است؟ کافی است که به عیسی مسیح ایمان بیاوریم، همین! جهت نجات یافتن، کافی است که هدیه فیض (نجات) را با شکرگزاری پذیرفت. خدا دست خود را به سوی مادران کرده است و هدیه فیض و نجات رایگان را به ما عطا فرموده است، تنها کاری که باید کرد، دریافت آن هدیه از سوی خداوند می‌باشد. از این جهت است که پولس رسول به افسسیان نوشت: «**زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست**» (افسسیان ۲:۸). جهت پیدا کردن نجات، هم فیض خداوند لازم است و هم دریافت نجات به وسیله ایمان. زمانی که به عیسی مسیح ایمان بیاوریم، در

عدالت او شریک می‌شویم. یعنی اینکه خداوند بی‌گناهی او را به حساب ما قرار خواهد داد و ما را «عادل» محسوب خواهد کرد (رومیان ۵:۱-۲). بنابراین، دیگر خدا مجبور نخواهد بود که ما را برای گناهانمان تنبیه کند، مسیح بهای گناهان ما را پرداخت نموده است. برعکس، اینک او ما را به عنوان فرزندان خود به خانواده آسمانی خود پذیرفته است. به محض ایمان به عیسی مسیح و دریافت فیض خداوند، عادل کرده خواهیم شد و نجات خواهیم یافت (رومیان ۵:۹-۱۰). و با دریافت هدیه نجات، عطای حیات جاودانی به ما داده خواهد شد.

پس متوجه می‌شویم که به منظور نجات یافتن، ابتدا باید عادل خوانده شد. و برای دریافت «عدالت» باید به عیسی مسیح ایمان آورد. و تنها به وسیله فیض خداوند است که انسان گناهکار می‌تواند به عیسی مسیح ایمان بیاورد. خداوند مهربان ما را **پیش از بنیاد عالم در او برگزید** (افسسیان ۱:۴). می‌بینیم که نجات ما، عادل کرده شدن ما، خوانده‌شدگی ما و ایمان ما، همگی هدیه فیض و به خاطر محبت بی‌کران خدا می‌باشد (مقاله عمومی «طریق نجات» را مشاهده کنید).

پس هرگز سعی نکنیم که فیض خدا را با توسل به اعمال مذهبی و پیروی از رسوم انسانی به دست بیاوریم. انجام کارهای نیکو و جمع آوری صواب، باعث نجات ما و باعث به کف آوردن فیض خداوند نخواهد شد. این راه نجات از گناهان نیست. زیرا هرگاه سعی کنیم با توسل به اعمال نیک خود نجات پیدا کنیم، در واقع فیض عیسی مسیح را انکار می‌کنیم (رومیان ۳:۲۰، ۲۸ را مشاهده کنید).

بار دیگر پولس رسول در آیه ۱۶ غلاطیان را به این نکته یاد آور می‌شود که: **هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت**

**عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری قادر به انجام تمام و کمال و مو به موی کلیه احکام شریعت نیست. یعقوب می‌نویسد:**

**زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه می‌باشد (یعقوب ۲: ۱۰). کدام حکم است که هرگز قادر به انجام کامل آن نخواهیم بود؟ مشکل‌ترین حکم، «طمع مکن» است (خروج ۱۷: ۲۰). شاید بتوانیم نه حکم اول را اجرا کنیم ولی حکم آخرین را خواهیم شکست! «طمع مکن» به معنی این است که هرگز در ذهن و قلب خود فکر بد و شریر نداشته باشیم. کیست که بتواند این حکم را به طور کامل اجرا کند؟ هیچ کس! لذا، هیچ کس قادر نخواهد بود که با تکیه بر انجام شریعت یهودیان، یا هر شریعت و رسم مذهبی دیگری، نجات یابد؛ غیر ممکن است که بتوان اینگونه نجات یافت (رومیان ۶: ۷-۱۱ را مشاهده کنید).**

**۱۷** در اینجا پولس رسول هنوز با یهودیان سخن می‌گوید. بعضی از یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند، کماکان به پیروی از شریعت ادامه می‌دادند، زیرا ایشان می‌ترسیدند که اگر از پیروی شریعت یهود دست بردارند، مرتکب گناهی بزرگ بشوند و یا نجات خود را از دست بدهند. پولس می‌گوید: «اگر این فرض صحت داشته باشد، پس عیسی پیروان خود را به سوی گناه هدایت می‌کند! به بیانی دیگر، این چنین به نظر خواهد رسید که **مسیح خادم گناه است**. ولی پولس می‌گوید: **حاشا!** این طور نیست. اگر به جای دریافت عدالت به وسیله ایمان به مسیح، به اعمال نیک و کارهای خود تکیه کنند، آنگاه ایشان در نظر خدا گناهکار باقی خواهند ماند. تنها راه مقدس و بی‌گناه شدن، ایمان به عیسی مسیح و کسب عدالت و پاکی او است.

**۱۸** تکیه بر اعمال شریعت و کارهای نیکوی خود، ما را در شمار بزرگترین گناهکاران

قرار خواهد داد. پولس آنچه را که **خراب** ساخته است، **بنا** نخواهد کرد. به بیانی دیگر، پولس رسول بار دیگر شریعت را بنا نخواهد نمود. او بار دیگر پیروی از شریعت را شرط نجات نخواهد دانست. زیرا اگر او شریعت یهود را بنا کند، «شریعت فیض» را نابود خواهد ساخت! او هرگز مرتکب چنین کاری نخواهد شد، زیرا که در آن صورت، عمل عظیم مسیح و نجات به وسیله ایمان را زیر پا خواهد نهاد. با این کارش منکر صلیب مسیح و عدالت به وسیله ایمان شده، فدیة عیسی مسیح بر صلیب را نفی خواهد نمود. پولس می‌گوید: اگر چنین کنم، **هر آینه ثابت می‌کنم که خود مستعدی (قانون شکن) هستیم. زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد (آیه ۱۶).**

**۱۹** شریعت قدرت بخشیدن زندگی تازه را ندارد. قدرت شریعت در محکوم ساختن انسان گناهکار است. شریعت، پولس را به مرگ روحانی محکوم ساخته بود! پولس می‌گوید: **زائر و که من به واسطه شریعت نسبت به شریعت مُردم.** ولی زمانی که پولس نسبت به شریعت مُرد، آنگاه از قید شریعت آزاد شد. به محض آنکه قاضی حکم دادگاه را صادر کرد، وظیفه‌اش به پایان می‌رسد. به محض صدور حکم، قدرت و اختیار قاضی به پایان خواهد رسید. مجرم با پرداخت جریمه و یا تحمل زندان، خود را از قدرت قاضی و چنگال قانون رها خواهد ساخت. زمانی که مجرم جریمه را پرداخت نمود، از قدرت قاضی آزاد خواهد شد. به این ترتیب، پولس استدلال می‌کند که از آنجا که وی نسبت به شریعت مرده است، اینک از قید احکام دینی و شریعت آزاد می‌باشد. شریعت پولس را به مرگ محکوم ساخته است و بیش از این قدرت دیگری ندارد. دیگر شریعت اختیار پولس را در دست ندارد. همانطور که یک برده پس از مرگش از سلطه ارباب خود آزاد می‌گردد، پولس نیز با مردن نسبت به شریعت، از قدرت

**در من زندگی می‌کند؟**

معنی واقعی زندگی مسیحی این است که مسیح در ما زندگی کند. دیگر لازم نیست که با قدرت خود و با تکیه بر توانایی خود زندگی کنیم. برعکس اگر به توسط ایمان مسیح را به زندگی خویش دعوت کرده باشیم او در ما زندگی خواهد کرد. عیسی فرمود: «**در من بمانید و من در شما... زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد**» (یوحنا ۱۵: ۴-۵ را مشاهده کنید). و چون عیسی در ما زیست می‌کند، قادر خواهیم بود که مانند عیسی زندگی کنیم. آنگاه دیگران مسیح را در ما خواهند دید و مشتاق پیروی از عیسی خواهند شد.

پولس ادامه می‌دهد: **وزندگانی که الحال در جسم<sup>۱۱</sup> می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.** «**پسر خدا**»، عیسی مسیح است که به جهان آمد تا برای گناهکاران مصلوب شود تا اینکه ما به وسیله مرگ او نجات یافته بخشایش گناهان و حیات جاودانی را بدست آوریم (مرقس ۱۰: ۴۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۲۱ فیض خدا را باطل نمی‌سازم.** مقصود پولس این است که او سعی نخواهد کرد که با توسل به اعمال شریعت نجات یابد. زیرا اگر کسی بتواند بدون ایمان به عیسی مسیح و با کمک اعمال شریعت نجات یابد، **هرآینه مسیح عبث مُرد!**

۱۱- در برخی از ترجمه‌ها، به جای «جسم» از کلمه «بدن» استفاده شده است. در اینجا منظور پولس از «جسم»، بدن جسمانی است. هر چند که در بسیاری از قسمتهای عهدجدید، کلمه «جسم» بیشتر به معنی «طبیعت گناهکار» است (رومیان ۳: ۱۳-۱۴؛ غلاطیان ۵: ۱۶-۱۹)، ولی در اینجا معنی کلمه جسم، بدن جسمانی ما می‌باشد. جهت توضیح بیشتر نگاه کنید به کلمه «جسم» در «فهرست لغات».

آن آزاد شده است. و چون از دست ارباب قدیمی خود (شریعت) آزاد شده است، اینک آزاد است که ارباب جدید خود (مسیح) را خدمت نماید و «**نسبت به خدا زیست**» کند (رومیان ۷: ۴-۷؛ ۸: ۱-۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). نه تنها پولس آزاد است که خدا را خدمت کند، بلکه او آزاد است که برای خدا زیست نماید. چرا؟ چون مسیح در او زیست می‌کند (آیه ۲۰).

**۲۰ با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند.** چه شهادت زیبایی بر ایمان پولس! پیش از آنکه زندگی جاودانی را تجربه کنیم، باید نسبت به زندگی پیشین خود بمیریم. انسانیت کهنه باید بمیرد؛ جسم گناه باید **مصلوب** شود (رومیان ۶: ۶). به وسیله مصلوب ساختن طبیعت کهنه خود با مسیح، انسانیت گناهکار قبلی به دست موت سپرده خواهد شد و آنگاه عیسی مسیح قادر به زیستن در وجود ما خواهد بود. روح مسیح (روح القدس) وارد ما خواهد شد و به وسیله روح القدس قدرت خواهیم یافت که زندگی مقدس و عادل و خالی از گناهی داشته باشیم. در آن زمان، دیگر این ما (انسانیت کهنه ما) نیست که زیست می‌کند، بلکه مسیح است در درون زندگی و قلب و وجود ایمانداران سکونت گزیده است. طبیعت کهنه و گناهزده قبلی مُرده است و ما از آن آزاد شده‌ایم و دیگر تحت تسلط انسان کهنه قرار نداریم (رومیان ۶: ۳-۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید: «**زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند**». آیا ما نیز همچو شهادتی داریم؟ بیایید از خود پرسیم که آیا مسیح در من زیست می‌کند یا اینکه هنوز انسانیت کهنه من زنده است؟ آیا می‌توانیم با پولس همصدا شده بگوییم: «**مسیح**



## باب ۳

## ایمان یا اعمال شریعت (۱:۳-۱۴)

۱ ایمانداران بی فهم غلاطیه افسون شده بودند. پولس رسول به ایشان تعلیم داده بود که با ایمان به فدیۀ عیسی مسیح بر صلیب نجات خواهند یافت. پیش چشمان آنها عیسی مسیح مصلوب شده مبین گردید (اول قرن تیان ۱:۲۳-۲۴؛ ۲:۲ را مشاهده کنید). چرا اینک می خواهند که بر اعمال مذهبی خود تکیه کنند؟  
 ۲ پولس از غلاطیان سؤال می کند: «روح را چگونه یافتید؟ چگونه به مسیح ایمان آوردید؟» غلاطیان پاسخ این سؤال را به خوبی می دانستند. آنها روح القدس را از **خبر ایمان** (یعنی بشارت پولس رسول به آنها) دریافت کرده بودند. ابتدا مژده مسیح را می شنویم، سپس ایمان آورده، روح القدس را دریافت می کنیم (اعمال ۲:۳۸؛ رومیان ۱۰:۱۴؛ افسسیان ۱:۱۳ را مشاهده کنید).

۳ در ابتدای امر، غلاطیان روح القدس را به وسیله ایمان به مسیح دریافت کرده بودند. آنها زندگی جدیدی در مسیح پیدا کرده بودند. بنابراین، پولس می پرسد: **آیا اینقدر بی فهم هستید که به روح شروع کرده، الان به جسم کامل می شوید؟** پولس می پرسد چرا آنها با تکیه بر اعمال جسم خود در پی کسب زندگی مقدس می باشند؟ آنها آموخته بودند که با ایمان به عیسی مسیح عادل کرده خواهند شد. ولی الان غلاطیان از قوت روح القدس برگشته اند و بر ضعف جسم گناه تکیه کرده اند. آنها در صدد این هستند که با انجام اعمال شریعت، عدالت و پاکی خود را به خدا ثابت کنند! ولی در نزد خدا هیچ کس با انجام اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود (۱۶:۲).

۴ غلاطیان زحمات بسیاری بخاطر ایمانشان به مسیح تحمل کرده بودند. اینک اگر ایمان خود را از دست دهند، آنهمه زحمت و مشقت باطل خواهد شد. پولس می پرسد: **آیا**

اینقدر زحمات را عبث کشیدید، اگر فی الحقیقه عبث باشد؟ پولس امیدوار است که زحمات آنها عبث نبوده باشد.

۵ در این آیه پولس سؤال آیه ۲ را تکرار می کند. غلاطیان به خوبی می دانند که خداوند روح القدس را به خاطر ایمانشان و نه به واسطه انجام اعمال شریعت به آنها عطا کرده است و آن همه معجزات و آیات و قوآت به خاطر ایمان آنها بوده است. پولس رسول، غلاطیان را به آنچه که می دانند یادآور می گردد. او می پرسد: «چطور ممکن است که پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح و دریافت قوت روح القدس و مشاهده آن همه معجزات، بار دیگر برای نجات یافتن، به انجام اعمال شریعت امید بست؟»

۶ **ابراهیم پدر یهودیان**، به عنوان نمونه ای برای همه افراد بشر محسوب می گردد. ابراهیم به خاطر ایمانش و نه به واسطه اعمال نیکوی خود عادل محسوب گشت. پولس در اینجا از پیدایش ۱۵:۶ نقل قول کرده می گوید: **ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد** (رومیان ۴:۱-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

معلمین یهودی در استان غلاطیه می گفتند که برای دریافت نجات و عادل محسوب شدن، باید بر اساس شریعت یهودیان، مراسم ختنه را به جا آورد. آنها همچنین ادعا می کردند که به منظور پذیرفته شدن به نزد خدا، شخص باید فرزند ابراهیم باشد، یعنی اینکه از قوم یهود باشد. ولی پولس با استفاده از کتاب مقدس (عهد عتیق) نشان می دهد که انسانها فقط به وسیله ایمان عادل به شمار خواهند آمد.

۷ تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان

۱۲- در برخی ترجمه های کتاب مقدس، به جای

کلمه «جسم»، عبارت «قدرت جسمانی» به کار رفته است. معنی هر دو ترجمه یکی است. در این آیه، منظور از «جسم» طبیعت گناه کار می باشد. جهت مطالعه بیشتر در این مورد به پانویس غلاطیان ۲:۲۰ مراجعه کنید.

تنها و تنها به واسطه ایمان به وعده خدا عادل شمرده شد. به همین ترتیب ما نیز با ایمان به عیسی مسیح عادل خواهیم شد (اعمال ۱۳:۳۸-۳۹؛ رومیان ۵:۱ را مشاهده کنید).

**۱۰** اگر ما تمامی قوانین شریعت را اطاعت نماییم؛ شریعت ما را محکوم خواهد ساخت (یعقوب ۲:۱۰ را مشاهده کنید). بنابراین اگر برای راضی ساختن خدا و کسب عدالت، به شریعت تکیه نماییم **زیر لعنت** و محکوم به مرگ خواهیم بود. چرا؟ زیرا هیچ کس قادر نیست قوانین شریعت را به طور کامل اطاعت کند. در اینجا پولس از تشبیه ۲۶:۲۷ نقل قول کرده می‌گوید: **ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد.**

**۱۱** هیچ کس با انجام اعمال شریعت عادل نخواهد شد، زیرا که هیچ کس قادر به نگاه داشتن تمامی اعمال شریعت نیست. پولس رسول از حقیق (نسی عهده‌عتیق) نقل قول نموده می‌گوید: **عادل به ایمان زیست خواهد نمود** (حقیق ۲:۴؛ رومیان ۱:۱۷).

**۱۲** در این آیه، پولس از لایوان ۵:۱۸ نقل قول کرده می‌گوید: **آنکه به آنها (قوانین شریعت) عمل می‌کند، در آنها زیست خواهد نمود** (رومیان ۵:۱۰ را مشاهده کنید). اگر کسی شریعت را به طور کامل اطاعت نماید (عملی غیرممکن)، زنده خواهد ماند. در غیر این صورت، آن شخص محکوم به مرگ خواهد بود. بنابراین، شریعت هیچ کس را بر اساس ایمانش عادل نخواهد شمرد.

**۱۳** در این آیه مقصود از **لعنت شریعت** همان حکم مرگ روحانی است. زیرا که شریعت همه را به موت محکوم نموده است ولی **مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد.** مسیح خود به جای ما و در عوض ما مُرد و با مرگ خویش بهای آزادی ما را پرداخت نمود. و از آنجا که بهای گناه ما پرداخت گردیده است، مادر نزد خدا پاک و بی‌گناه محسوب خواهیم شد.

آوردند، فرزندان روحانی ابراهیم به شمار خواهند آمد. زیرا که به وسیله ایمان، امتها از میراث روحانی ابراهیم بهره خواهند گرفت و در برکات ابراهیم شریک خواهند گردید. بنابراین، فرزندان واقعی ابراهیم و وارثان او، یهودیان (اولاد جسمانی او نخواهند بود) بلکه تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورند فرزندان ابراهیم خواهند بود (رومیان ۴:۱۱، ۱۳، ۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۸** با نقل قول از کتاب پیدایش، پولس رسول می‌گوید که خدا به ابراهیم وعده داده بود که همه امتها از او برکت خواهند گرفت (پیدایش ۱۲:۳؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۲:۱۷-۱۸). منظور از **جمعیت امت‌ها** فقط یهودیان نمی‌باشند بلکه در سایه ایمان به مسیح، تمامی ملت‌های جهان از برکاتی که خدا به ابراهیم وعده داده بود، بهره خواهند بُرد. یهودیان معتقد بودند که تنها ایشان از وعده خدا به ابراهیم بهره‌مند خواهند گردید زیرا که آنها با ابراهیم رابطه خونی و جسمانی دارند. ولی هیچ کسی از طریق جسم وارث برکت روحانی نخواهد شد. تنها به وسیله ایمان است که می‌توان در وعده‌های روحانی شریک شد. بنابراین، غیریهودیانی که به مسیح ایمان داشته باشند، تمامی برکات روحانی را به وسیله ایمان دریافت خواهند نمود.

**۹** در اینجا پولس همان مطالب آیه ۷ را تکرار می‌کند.

باید به خاطر داشته باشیم که ابراهیم بر اساس ختنه، عادل شمرده نشد. زیرا زمانی که ابراهیم به خدا ایمان آورد و عادل کرده شد، هنوز ختنه نگردیده بود (رومیان ۴:۹-۱۱). همچنین ابراهیم بر اساس بجا آوردن قوانین شریعت عادل شمرده نشد، زیرا که در آن زمان هنوز خداوند شریعت را به موسی عطا ننموده بود (رومیان ۴:۱۳). ۴۳۰ سال پس از ابراهیم، خداوند شریعت را از طریق موسی به قوم بنی‌اسرائیل داد (آیه ۱۷). نتیجه اینکه ابراهیم،

به یک معنا، خدا اعلام نمود: «انسانها گناهکار هستند، و بایستی مجازات شوند. چه کسی این مجازات را متحمل خواهد شد؟» و عیسی به جای مادر برابر پدر آسمانی ایستاد و گفت: «انسانها را ببخش! من به جای آنها مجازات اعدام را تحمل خواهم نمود!» (مرقس ۱۰:۴۵ را مشاهده کنید).

### مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در

**راه ما لعنت شد.** شاید مثال زیر، خواننده عزیز را در درک این موضوع مهم یاری دهد: زمانی مانند برده و غلامی در چنگال گناه اسیر بودیم و شریعت ارباب ما بود. برای نجات و آزاد ساختن ما از اسارت و بردگی، لازم بود که شخصی بهای آزادی ما را پرداخت کند. عیسی آن بها را پرداخت نمود. بهایی که او پرداخت نمود، خون پاک خود بود. او جان خود را برای ما داد. اینک ما دیگر در زیر قدرت و حکم و اسارت شریعت و گناه نیستیم؛ بلکه به مسیح تعلق داریم. او بهای ما را پرداخت کرد و ما را خریداری نمود. ما به او تعلق داریم (اول قرنیتیان ۱۹:۶-۲۰؛ ۲۳:۷؛ اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ را مشاهده کنید). در اینجا پولس از تثبیه ۲۳:۲۱ نقل قول می‌کند. این نبوتی است که به مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب **دار** اشاره می‌کند. او با مرگ خود، **لعنت** ما را بر خود گرفته، ما را از لعنت شریعت آزاد نمود. در زمان نگارش تثبیه، محکومین به اعدام به دار آویخته می‌شدند و این برای آنها شرم و لعنت محسوب می‌شد. مسیح نیز برای ما مصلوب شد و بر دار صلیب آویخته گردید و برای ما لعنت شد<sup>۱۳</sup>.

**۱۴** به دلیل وجود **لعنت شریعت** (آیه ۱۳)، ابراهیم آن برکت موعود (پیدایش ۳:۱۲) را دریافت نمود. و نه تنها ابراهیم بلکه هیچ یک از ایمانداران عهدعتیق نیز، به آن برکت دست نیافتند. ولی عیسی آمد تا آن لعنت را از بین ببرد. اینک به خاطر وجود فدیة مسیح بر روی صلیب، می‌توانیم به واسطه ایمان، آن برکتی را

که به ابراهیم وعده داده شده بود از سوی مسیح بپذیریم. در سایه ایمان به مسیح نه تنها فرزندان ابراهیم خواهیم گردید، بلکه خدا ما را به عنوان فرزندان حقیقی خود خواهد پذیرفت (رومیان ۸:۱۶). نه تنها این، بلکه با ایمان به مسیح، روح القدس را به مثابه بیعانه آن گنجی که در آسمان داریم، نیز دریافت خواهیم نمود (دوم قرنیتیان ۱:۲۱-۲۲؛ ۵:۵؛ افسسیان ۱:۱۳-۱۴ را مشاهده کنید).

با خواندن این آیه مشاهده می‌کنیم که خدا چه وعده مهمی به ابراهیم و فرزندان وی داده بود. وعده خدا، وعده نجات است. وعده زندگی جدید روحانی به وسیله روح القدس، در عیسی مسیح است. زندگی جدیدی که از همان لحظه ایمان آوردن، شروع می‌گردد.

### شریعت و وعده (۳:۱۵-۲۰)

**۱۵** به منظور درک و بیان واضح قول خدا به ابراهیم، پولس از یک مثل قابل فهم استفاده می‌کند. انسانها انواع قولها به همدیگر می‌دهند و پیمانهای مختلف با یکدیگر می‌بندند. زمانی که **عهد** بسته شد، آن **عهد استوار می‌شود**. زمانی که عهدی بسته شد و استوار گردید، شکستن آن بسیار مشکل خواهد بود.

**۱۶** به همین شکل نیز، زمانی خدا با **ابراهیم و نسل او** عهدی بست. عهد این بود که خداوند ابراهیم و فرزندان او را نجات خواهد داد و ایشان را به وسیله روح القدس برکت خواهد بخشید. بنابراین، منظور از **نسل** عیسی مسیح و تمامی کسانی است که به عیسی ایمان آورده باشند. عیسی مسیح، نخست‌زاده از فرزندان روحانی بی‌شمار می‌باشد (رومیان ۸:۲۹؛ اول قرنیتیان ۱۵:۲۰ را مشاهده کنید). تمامی نسل ابراهیم

۱۳- در زمان امپراطوری رومیان (در ایام زندگانی

عیسی مسیح)، محکومین به اعدام به وسیله صلیب اعدام می‌گردیدند.

(یعنی تمام فرزندان جسمانی او) از وعده‌های خدا بهره‌مند نخواهند گردید، بلکه مسیح و تمامی کسانی که به مسیح ایمان آورده باشند، در برکات معنوی وعده خدا به ابراهیم شریک خواهند شد. خدا به ابراهیم فرمود: **از ذریت تو، جمیع امتهای زمین برکت خواهند یافت** (پیدایش ۱۸:۲۲). پس می‌بینیم که در عیسی مسیح، آن وعده خدا به تحقق رسیده است.

**۱۷** در اینجا پولس به طرح نکته اصلی خود می‌پردازد. ۴۳۰ سال پیش از بخشش شریعت به قوم بنی‌اسرائیل، خدا به ابراهیم وعده نجات داده بود (خروج ۴۰:۱۲). اینک، چگونه این معلمان یهودگر می‌گویند که جهت نجات یافتن باید از شریعت پیروی نمود؟ وعده نجات به هیچ وجه در گرو شریعت نیست؛ همانطور که آمدن شریعت، به هیچ گونه در امر نجات و وعده نجات خللی وارد نخواهد ساخت.

**۱۸** اگر لازمه دریافت میراث (نجات)، شریعت باشد، آنگاه آن وعده نجاتی که خدا به ابراهیم داده بود، باطل خواهد بود! اگر انجام اعمال شریعت، شخص را عادل خواهد ساخت، آنگاه عهدی که خدا با ابراهیم بسته بود، بی‌ارزش و لغو شده خواهد بود. ولی پولس خاطر نشان ساخت که این فرضی محال است (آیه ۱۵). عهد خدا هرگز باطل نخواهد شد. عهد خدا با ابراهیم هرگز لغو و محو نخواهد شد. پولس رسول می‌گوید که خدا به ابراهیم و فرزندان روحانی او میراثی (وعده نجات) را بخشیده است؛ و این میراث، نه از طریق شریعت بلکه **از وعده** یعنی به وسیله وعده و به خاطر فیض و بخشش الهی داده شده است (رومیان ۴:۱۴-۱۶ را مشاهده کنید). نجات، به خاطر فیض خدا و از طریق ایمان بخشیده خواهد شد. پیروی از نکات شریعت و رعایت مراسم مذهبی، قادر به نجات دادن هیچ کس نخواهد بود (رومیان ۶:۱۱ را مشاهده کنید).

**۱۹** در اینجا لازم است پرسیم که با توجه به

آنچه که گفته شد، منظور از شریعت چیست؟ پولس در جواب این سؤال می‌گوید: **برای تقصیرها بر آن افزوده شد.** منظور خداوند مهربان از دادن شریعت، مشخص کردن گناه و عریان ساختن ماهیت زشت تقصیرات بود (رومیان ۵:۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). گناهان بسیاری بود که انسانها قادر به تشخیص‌شان نبودند، ولی با دادن شریعت از سوی خدا، انسانها توانستند که ابعاد گناه را درک کرده، پی به گناهکاری خود ببرند (رومیان ۷:۲۰؛ ۷:۷).

شریعت بروشنی بر گناه انسان تکیه کرده، تأکید می‌کند که کسی قادر به نجات دادن خود و عادل ساختن خویش نمی‌باشد. شریعت نشان داده است که ما انسانها به منجی (عیسی مسیح) نیازمند می‌باشیم. به بیانی دیگر، کار شریعت راهنمایی ما و قرار دادن ما در طریق عیسی مسیح می‌باشد. شریعت از **آمدن آن نسل (مسیح) که وعده بدو داده شده** سخن می‌گوید. پس از آمدن مسیح، شریعت لزوم خود را از دست داد.

ولی با این همه، شریعت هنوز نقش مهمی ایفا می‌کند، کار مهم شریعت نشان دادن گناه می‌باشد. عیسی مسیح، بخش مهمی از تعالیم خود را بر مبنای شریعت موسی قرار داده بود (متی ۵:۲۱-۲۲، ۲۷-۲۸، ۳۸-۳۹، ۴۳-۴۴ را مشاهده کنید).

ارزش شریعت از وعده کمتر است. زیرا شریعت موقتی بود و پس از آمدن عیسی مسیح، وظیفه‌اش به اتمام رسیده بود. اینک عیسی ما را از **لعنت** شریعت رها ساخته است. خدا، شریعت را به طور غیرمستقیم و از طریق **متوسطی** یعنی موسی<sup>۱۴</sup> و به کمک

۱۴- موسی یکی از بزرگترین رهبران یهودیان بود. او چهار صد سال پس از ابراهیم به دنیا آمد. او در کوه سینا شریعت را از سوی خدا دریافت کرد و آن را به قوم

**فرشتگان** داده بود (خروج ۱۸:۳۱؛ اعمال ۵۳:۷). ولی وعده‌ها به طور مستقیم عطا گردیده بود. بنابراین، چون وعده‌ها مستقیماً (از سوی خدا و نه به توسط انسان یا فرشتگان) داده شده است، بر شریعت برتری دارند.

**۲۰** در هر مجادله‌ای، شخص **متوسط** میانجی‌گری کرده، جانب هر دو طرف دعوی را می‌گیرد و با این عمل، باعث آشتی و حل اختلاف طرفین می‌شود. دادن شریعت به توسط موسی نیز در حقیقت گامی در راه ایجاد صلح و آشتی میان خدا و قوم بنی‌اسرائیل بود. خدا از طریق موسی، شریعت را داد، و قوم موظف به اطاعت از آن بود. به بیانی دیگر، خدا گامی به پیش نهاده، شریعت را داد و انسانها نیز بایستی قدمی در راه آشتی برداشته از آن شریعت اطاعت نمایند. جهت بسته شدن هر عهدی، طرفین پیمان باید در امر بسته شدن آن سهیم باشند. به همین منظور بود که در زمان انعقاد عهدعتیق، وجود موسی به عنوان یک متوسط بین خدا و قوم بنی‌اسرائیل لازم بود.

ولی از آنجا که وعده یک طرفه می‌باشد، میان عهد و وعده، فرقی اساسی به چشم می‌خورد. زمانی که خدا وعده می‌دهد، او بطور فردی، یک جانبه و آزادانه عمل می‌کند. در این صورت، تنها توقع خداوند از ما انسانها این است که هدیه او را از دستانش بپذیریم. خدا، بدون هر گونه «متوسطی»<sup>۱۵</sup> نزد ما آمد و وعده نجات، حیات جاویدان و روح‌القدس را به ما عطا فرمود. و ما به وسیله روح‌القدس، یعنی به توسط روح عیسی و زیستن عیسی در درون ما، نیروی لازم جهت اطاعت را دریافت خواهیم نمود. زیرا به همراه وعده، نیروی اطاعت نیز داده شده است.

### مقصود از شریعت (۲۱:۳-۲۹)

**۲۱** شریعت با وعده مخالفت ندارد. تنها مورد اختلاف میان وعده و شریعت در اینجا

است که شریعت در خود نیرومند نیست ولی به همراه وعده قوت انجام اراده خدا داده می‌شود. شریعت قادر نیست **حیات بخشد**، ولی وعده‌ها این توانایی را دارند. مقصود پولس این است که وعده‌های خدا توانایی زنده ساختن انسان مُرده در گناه را دارند. وعده‌ها دارای نیرویی روحانی می‌باشند و از این جهت است که آنها می‌توانند **حیات** بخشند. اگر شریعت چنین توانایی را دارا می‌بود، آنگاه می‌توانستیم با نگاه داشتن شریعت عادل شویم. ولی شریعت قادر به بخشیدن حیات نمی‌باشد (رومیان ۳:۸ را مشاهده کنید). و از آنجا که شریعت قادر به بخشیدن حیات و عادل ساختن کسی نیست، هیچ کس قادر نخواهد بود که با نگاه داشتن مفاد آن، عادل کرده شود. فقط به وسیله فیض خدا و در سایه ایمان به عیسی مسیح است که می‌توان در نزد خدا عادل شده، نجات یافت (افسسیان ۸:۲).

**۲۲ بلکه کتاب** (کلام خدا) **همه چیز** (تمامی بشر) را **زیر گناه بست**. به بیانی دیگر، از آنجا که انسان بر علیه خدا تمرد نموده است، خدا نیز به نوبه خود، انسانها را در بند گناه اسیر ساخته است (رومیان ۹:۳-۱۰؛ ۱۱:۳۲). از آنجا که انسان بر علیه خدا مرتکب گناه گردیده است، خدا نیز در مقابل، انسانها را به توسط کلام خود محکوم

بنی‌اسرائیل داد. به توسط موسی بود که یهودیان شریعت را دریافت کردند و از این جهت است که موسی را به عنوان «متوسط» نام نهاده‌اند.

۱۵- پولس رسول در اول تیموتائوس ۲:۵ می‌نویسد: «زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد». ولی به یاد داشته باشیم که عیسی مسیح، انسانی عادی نبود، او در آن واحد انسان کامل و خدای کامل بود. بنابراین، متوسط واقعی خود خداوند می‌باشد و در وعده نجاتی که خدا به ما داده است، نیازی به متوسط دیگری وجود ندارد.

ساخته است؟ ولی اینک، خدا راه گریزی جهت انسانها فراهم نموده است. این راه نجات، همانا وعده نجات به وسیله ایمان به عیسی مسیح می‌باشد.

بنابراین، چرا معلمان یهودگر در پی تبلیغ شریعت می‌باشند؟ چرا آنها هنوز ادعا می‌کنند که با اجرای احکام شریعت می‌توان نجات یافت؟ تنها کار شریعت، محکوم ساختن و ملزم نمودن ما به گناهکاری‌مان است (رومیان ۱۰:۷). تعلیم آن معلمین یهودگر مخالف با حقیقت بود.

**۲۳** پولس رسول در اینجا همان مطالب آیه ۲۲ را تکرار می‌کند. **قبل از آمدن ایمان** (انجیل عیسی مسیح)، **زیر شریعت نگاه داشته بودیم**. توجه کنید که در آیه ۲۲، پولس رسول چنین گفته بود: **کتاب همه چیز را زیرگناه بست**. معنی هر دو یکی است، زندانی «شریعت» و زندانی «گناه» در حقیقت به یک معنی است. گناه از شریعت قوت می‌گیرد (رومیان ۸:۷-۱۱ و اول قرنیتان ۵:۱۵) را مشاهده کنید. زیرا گناه و شریعت با هم برای محکوم ساختن و ملامت نمودن ما متحد گردیده‌اند.

**۲۴** به دلیل گناه انسان، لازم بود که او تحت مراقبت و پرستاری کسی یا چیزی باقی بماند. در زمان پولس رسول، اشخاص ثروتمند معلم سرخانه یا لالایی استخدام می‌کردند تا از اطفال مراقبت و نگهداری کرده، ایشان را تربیت نمایند. آن معلم سرخانه و یا لالا، قدرت و اختیار تنبیه کردن اطفال را داشت و اطفال موظف به اطاعت از او بودند. به همین منوال نیز، **شریعت لالای ما شد تا به مسیح برسند**. همان گونه که لالا مسئول تربیت و بزرگ کردن اطفال است، به همان صورت وظیفه شریعت این بود که ما را رشد داده به **مسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم**.

**۲۵** اینک با آمدن انجیل، و ایمان آوردن به عیسی مسیح، **دیگر زیر دست لالا نیستیم** و دیگر

به سرپرستی شریعت نیازی نداریم. **۲۶** در زمان پولس رسول، اطفال نابالغ از حقوق فرزندی بهره‌ای نمی‌بردند و فقط پس از رسیدن به سن مشخصی دارای حقوق قانونی می‌گردیدند. اطفال تا زمانی که به سن تکلیف نرسیده بودند زیر دست لالا بودند و حق تصمیم‌گیری نداشتند (غلاطیان ۴:۱-۲). ولی آنانی که به مسیح ایمان آورده باشند، به حد بلوغ رسیده‌اند و از کلیه حقوق قانونی یک فرزند بهره‌مند خواهند گردید. زیرا که تمام کسانی که به مسیح ایمان آورند فرزندان خدا خواهند شد (یوحنا ۱:۱۲-۱۳؛ غلاطیان ۴:۷). پولس رسول به مسیحیان غلاطیه می‌گوید: **زیرا همگی شما** (خواه یهودی و خواه غیریهودی، خواه برده و خواه آزاد، چه زن و چه مرد) **بوسیله ایمان در مسیح عیسی پسران خدا می‌باشید** (آیه ۲۸ را مشاهده کنید).

**۲۷** زمانی که به سن رشد رسیدیم و به پسران کامل مبدل شدیم، جامه شاگردی را از تن بدر خواهیم کرد و لباس افراد بالغ را خواهیم پوشید. به همین شکل نیز، زمانی که به عیسی مسیح ایمان آوردیم، انسانیت کهنه را از تن بیرون آورده، جامه نو (عدالت خدا) را پوشیدیم. پولس رسول می‌گوید: زمانی که **در مسیح تعمید یافتید مسیح را در بر گرفتید**. این معنی اصلی **تعمید** می‌باشد. زیرا هنگامی که به نام مسیح **تعمید** گرفتیم، جامه کهنه انسانیت گناه‌آلود را از تن بیرون کرده، ردای نو یعنی عدالت و قدوسیت مسیح را به تن می‌نماییم (رومیان ۳:۶-۴؛ دوم قرنیتان ۵:۱۷؛ افسسیان ۴:۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۲۸** پس چه کسی می‌تواند با ایمان به نزد مسیح بیاید؟ همه! هر کسی که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، اجازه حاضر شدن در دربار پادشاه عالم را دارا خواهد بود. زیرا که از نقطه نظر روحانی، هیچ فرقی بین انسانها وجود ندارد. هر کسی که به مسیح ایمان بیاورد، امتیاز

می‌کنند؟ زیرا کلیسا متعلق به گروه و نژاد و دسته خاصی نیست! کلیسا بدن مسیح است و به او تعلق دارد (اول قرن‌تین ۱۲:۲۷؛ افسسیان ۱:۲۲-۲۳). او خداوند و صاحب اختیار کلیسا می‌باشد. در کلیسا، جایی برای تبعیض بین خارجی و داخلی وجود ندارد. همه ما مساوی و برابریم زیرا که مملکت ما ایمانداران، آسمان می‌باشد؛ و در ملکوت خدا، رتبه و مقام و موقعیت اجتماعی و ثروت و غیره، جایی ندارد. اگر اجازه دهیم که یکی از این مسائل، کلیسایمان را آلوده کند، نسبت به بدن مسیح گناه ورزیده‌ایم و باعث جدایی و پاره‌پاره گشتن کلیسا یا بدن مسیح خواهیم شد.

**۲۹** مسیح، نسل واقعی و حقیقی ابراهیم می‌باشد (آیه ۱۶). پس، زمانی که به عیسی مسیح ایمان آوریم، فرزند ابراهیم خواهیم شد (آیه ۷). پولس می‌گوید: **اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده وارث برکات ابراهیم خواهیم بود** (رومیان ۸:۱۷). با ایمان آوردن به مسیح، آن **وعده نجات** و حیات جاودانی را صاحب خواهیم گردید.

#### باب ۴

##### وارثین از طریق ایمان (۴:۱-۷)

**۱-۲** در زمان پولس رسول، حدود اختیارات وارثی که هنوز صغیر بود، با اختیارات یک غلام تفاوتی نداشت. یعنی اینکه همانقدر که غلام یک خانه اجازه خرید و فروش مُلک اربابش را نداشت، به همان اندازه هم یک وارث صغیر نمی‌توانست میراث خود را پیش رسیدن به سن تکلیف بفروشد. بنابراین، همانطور که یک غلام تحت کنترل آقای خود می‌باشد، به همان ترتیب نیز، یک وارث خردسال **زیر دست ناظران و وکلاء می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین کرده باشد** (آیه ۲).

**۳** پیش از آنکه مسیح به این جهان بیاید، ما نیز **زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم**. یعنی

فرزندخواندگی را به دست خواهد آورد. و زمانی که **در مسیح تعمید** یافتیم، مانند این است که مسیح را پوشیده‌ایم. آنگاه همه کسانی که **مسیح را در بر گرفته‌اند** عضوی از خانواده عیسی مسیح می‌شوند. آنگاه متعلق به بدن مسیح خواهیم بود و مثل عضوی از بدن او عمل خواهیم نمود (اول قرن‌تین ۱۲:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). همه ما، صرف نظر از اینکه **یهودی** باشیم یا **یونانی**، چه **غلام** باشیم چه **آزاد**، چه **مرد** و چه **زن**، فرزندان خداوند هستیم و نژاد و موقعیت طبقاتی و جنسیت ما هیچ تأثیری در رتبه ما در نزد خدا نخواهد گذاشت.

کافی است که لحظه‌ای خویشتن را در دوران پولس رسول قرار دهیم و میزان و عمق اختلاف میان یونانی و یهود، غلام و ارباب، زن و مرد را در نظر بگیریم. یهودیان از یونانیان متنفر بودند و ایشان را حقیر و سخیف می‌شمردند؛ غلامان تحت ظلم و ستم اربابان قرار داشتند و زنها از مرد سالاری حاکم بر جامعه رنج می‌بردند. در این چنین اوضاعی است که پولس می‌نویسد که در عیسی مسیح، یهود و یونانی و غلام و ارباب و زن و مرد، یکی هستند و از نظر عیسی مسیح، آنها هیچ فرقی با هم ندارند! زیرا که در مسیح، همه یکی شده‌اند (کولسیان ۳:۹-۱۱ را مشاهده کنید).

مسائلی از قبیل طبقه، نژاد، ملیت، گویش، ثروت یا فقر نباید باعث ایجاد جدایی و چند دستگی در میان مسیحیان گردد. جا دارد از خود پرسیم که آیا در کلیساهای ما، اینگونه موارد موجب جدایی و دوری ایمانداران از یکدیگر گردیده است؟ آیا افراد ضعیف و فقیر از احترامی مساوی با اعضای ثروتمند و طبقه بالا برخوردار می‌باشند؟ آیا در کلیسایمان برای خانمها احترامی معادل و مساوی با مردها قائلیم؟ آیا در رفتار خود، بین هموطنان و خارجی‌ها فرق می‌گذاریم؟ آیا افراد غریب و خارجی، در کلیسای ما احساس راحتی و تعلق

شریعت به طور کامل اطاعت نماید. نه فقط این، بلکه بهای گناهان ما را پرداخت. او با قیمت خون خود و با بذل جان خویش بهای گناهان ما را پرداخت. چرا؟ **زیرا که مزدگناه موت است** (رومیان ۶:۲۳).

❶ چرا خدا پسر خود را به این جهان فرستاد؟ او عیسی مسیح را فرستاد تا **آنانی را که زیر شریعت باشند** چه یهود و چه غیریهودی، تمام آن کسانی را که زیر تسلط اصول دنیوی بودند **فدیه کند**. ما زمانی مانند غلام و برده، تحت اسارت آن اصول به سر می‌بردیم، و ارباب ما **رئیس این جهان** بود (یوحنا ۱۲:۳۱). بنابراین، عیسی مسیح ناگزیر بود که بهای آزادی ما را داده، ما را از سلطه شیطان و ملکوت ظلمت **فدیه کند** (غلاطیان ۳:۱۳).

ولی زمانی که مسیح ما را «فدیه نمود» و ما را با خون خود خریداری کرد، ما را از اسارت و بندگی «اصول دنیوی» رها ساخت و در عوض مقام **پسرخواندگی** را به ما عطا فرمود. اینک ما فرزندان خدا شده‌ایم و به این ترتیب خواهران و برادران عیسی مسیح می‌باشیم (افسیسیان ۱:۵؛ اول یوحنا ۳:۱).

حال این فرزند خواندگی به چه معنی می‌باشد؟ زمانی که کودکی به فرزندخواندگی قبول شده باشد، خود بخود از کلیه حقوق و میراث برخوردار می‌گردد. او وارث دارایی کسی می‌گردد که از لحاظ جسمانی پدر او نبوده است. هر چند که او از نقطه نظر خونی فرزند آن شخص نیست ولی از لحاظ قانونی، با اولاد خونی هیچ تفاوتی ندارد.

به همین وجه نیز، تمامی کسانی که به عیسی مسیح ایمان بیاورند، به فرزندخواندگی خدا قبول خواهند شد. در ابتدای امر، ما از طریق جسمانی فرزندان شرارت و تاریکی و فرزندان شیطان بوده‌ایم (افسیسیان ۲:۳؛ ۸:۵). ولی اینک ما فرزندان خدا هستیم، نه به وسیله جسم بلکه به طریق روح القدس. ولی اینک، ما

اینکه ما اسیر باورها و مناسبات دنیوی بودیم. در واقع، ما اسیر و غلام شیطان و ارواح خبیثش بودیم (غلاطیان ۳:۲۳؛ کولسیان ۲:۲۰). ما مانند وارثینی بودیم که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. پیش از آمدن مسیح به جهان، ما تحت تسلط «ناظران و وکلاء»، یعنی شریعت، بودیم. ولی همزمان با آن، تحت اسارت نیروهای شیطان و شرارت یا **اصول دنیوی** این عالم قرار داشتیم.

شریعت هدیه خداوند است و شریعت خدا، نیکو و مفید می‌باشد. ولی متأسفانه، بشر، شریعت خدا را گرفته، آداب و رسوم و زوایدی به آن اضافه نموده است. این **اصول دنیوی** که پولس از آن سخن می‌راند، همان مراسم و مناسکی است که انسانها برای پرستش خدا معمول داشته‌اند. در میان این اصول دنیوی، می‌توان از هر گونه بت پرستی و قوانین مذهبی، و تشریفات غیرضروری نام برد. همچنین هر عمل انسان جهت کسب رتبه و جایگاه خاص در نزد خدا و کسب قدوسیت با تکیه بر اعمال شریعت، را می‌توان در رده **اصول دنیوی** قرار داد. علاوه بر این، پیروان شیطان و ارواح پلید نیز که کارگزاران ملکوت ظلمت می‌باشند، از **اصول دنیوی** اطاعت می‌نمایند (غلاطیان ۴:۸-۹؛ افسسیان ۲:۱-۲ را مشاهده کنید).

❷ **لیکن چون زمان به کمال رسید**، یعنی زمانی که وارثین به سن رشد و تکلیف رسیدند، **خدا پسر خود را فرستاد** (رومیان ۵:۶ را مشاهده کنید) مسیح از **زن زائیده شد**. یعنی اینکه او دقیقاً مانند ما انسانها بود (متی ۱:۱۸؛ فیلیپیان ۲:۶-۸ را مشاهده کنید). او تمامی احساسات، وسوسه‌ها، آرزوها، ضعفها و مسائل ما انسانها را تجربه نمود (عبرانیان ۲:۱۵، ۱۸؛ ۴:۱۵). او همچنین **زیر شریعت متولد گشت**. خدا، بخشنده شریعت، خود به صورت یک انسان به میان مردمش آمد و خود را تحت قیمومیت شریعت خویش قرار داد. او توانست از تمامی مفاد



**پسر خواندگی** را یافته‌ایم، یعنی اینک ما پسران خدائیم (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳ را مشاهده کنید).

در اینجا باید به خاطر داشته باشیم که اگر **اصول دنیوی** و ملکوت شیطان را رها نکنیم، مسیح ما را صاحب و خداوند نخواهد شد. او تنها قادر خواهد بود که ما را فدیة نموده، بهای گناهان ما را پرداخت کند ولی ما بایستی داوطلبانه گناه و ملکوت ابلیس را رها نموده، شخصاً قلب خود را به او تقدیم بداریم. زیرا که عیسی مسیح هرگز با زور و جبر وارد قلب و زندگی کسی نخواهد شد.

۶ پس از آنکه به فرزندى خدا قبول شدیم، میراث ما چه خواهد شد؟ آنگاه میراث ما بهشت و ملکوت آسمان خواهد بود. آیا در این جهان نیز میراثی خواهیم داشت؟ جواب این سؤال مثبت است. مادر این عالم روح‌القدس را به عنوان بیعانه آن میراث آینده، دریافت خواهیم نمود. ولی روح‌القدس، نه تنها بیعانه آن میراث آینده می‌باشد، بلکه او مُهر و خاتم مالکیت ماست و ما را با مُهر خود مختوم نموده است. اینک آن مُهر و نشانه‌ای که روح‌القدس بر ما نهاده است، نشانه فرزندخواندگی ما می‌باشد (دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ را مشاهده کنید).

به مجرد آنکه مسیح ما را فدیة داد، روح‌القدس به زندگی و قلب ما وارد خواهد شد. یعنی اینکه **روح پسر خود را در دل‌های ما** خواهد فرستاد. نجات پیدا کردن، تولد تازه، فرزندخواندگی و دریافت روح‌القدس، همه با هم به وقوع خواهند پیوست. اینها همگی، جنبه‌های مختلف فرآیند نجات ما می‌باشند. به وسیله روح‌القدس، ما به فرزندخواندگی خود اطمینان کامل پیدا خواهیم کرد. به کمک روح‌القدس، حضور خدای پدر را در زندگی خود تجربه خواهیم نمود. به کمک روح‌القدس، ما قادر خواهیم بود که او را «**ابا**»<sup>۱۶</sup> یعنی «ای پدر» خطاب کنیم. به لحاظ شهادت روح‌القدس در

قلب‌های ما، شک و تردید از فرزندخواندگی از دل‌های ما زدوده خواهد شد (رومیان ۸: ۱۴-۱۶ را مشاهده کنید).

۷ به مجرد آنکه روح‌القدس (روح عیسی مسیح) وارد زندگی ما شود، آزادی را تجربه خواهیم نمود. زیرا از آن لحظه به بعد دیگر بنده و غلام نخواهیم بود، بلکه به عنوان فرزندخوانده خدا محسوب خواهیم شد. و اگر فرزندان خدا می‌باشیم، وراثت او نیز به حساب خواهیم آمد (رومیان ۸: ۱۷). به وسیله روح‌القدس و به دلیل امتیاز فرزند خواندگی، ما وراثت تمامی ثروت و حشمت و جاه و جلال خدا گردیده‌ایم!

اینک بیایید برای لحظه‌ای در مورد معنی این کار خدا تفکر کنیم. فرزند خدا خوانده شدن به چه معنا می‌باشد؟ به راستی این بزرگترین برکتی است که خدا به ما داده است. ممکن است بعضی‌ها فکر کنند که همه افراد بشر به نوعی فرزند خدا می‌باشند، ولی این طرز تفکر با تعلیم کتاب مقدس سازگار نمی‌باشد. درست است که خدای مهربان، همه را آفریده است ولی او پدر همه نیست. زیرا فقط آنانی که به نام عیسی مسیح ایمان داشته باشند، اجازه خواهند داشت که او را ای پدر خطاب نمایند (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ غلاطیان ۳: ۱۶ را مشاهده کنید).

در هیچ یک از ادیان دیگر، خدا با لقب پدر آسمانی معرفی نشده است. پیروان ادیان مختلف، هرگز مثل ما قدرت شناختن خدا را ندارند، زیرا که ما خدای قادر مطلق را به عنوان پدر آسمانی خود می‌دانیم و با او رابطه پدر و فرزندى داریم. بلی، ادیان دیگر تعلیم می‌دهند که خدا مقدس، پاک و مهربان و قدرتمند است،

۱۶- ابا، کلمه آرامی است که به معنی «ای پدر من» می‌باشد. زبان آرامی، گویش متداول در قرن اول میلادی بود. عیسی و شاگردانش همگی به زبان آرامی تکلم می‌کردند (مرقس ۱۴: ۳۶ را مشاهده کنید).

ولی با ایمان به عیسی مسیح و فرزند خدا شدن، قادر خواهیم بود جنبه پدری او را درک کرده، محبت او را تجربه نماییم و او را به گونه‌ای بس نزدیک‌تر و صمیمانه‌تر تجربه کنیم.

### نگرانی پولس برای غلاطیان (۴:۸-۲۰)

۱-۹ اینک پولس رسول به غلاطیان خاطر نشان می‌کند که ایشان سابقاً پیرو شیطان و اعوان و انصار شریر او بودند. آنها خدای حقیقی را نمی‌پرستیدند، بلکه بت پرست بودند (اول قرنتیان ۴:۸). آنها به پرستش اشیایی مشغول بودند که نه توانایی شنیدن داشتند و نه قدرت کمک کردن به آنها را دارا بودند. به یک معنا، آنها زیر اصول دنیوی غلام بودند (آیه ۳).

ولی اکنون، ایشان خدای زنده و حقیقی را می‌شناسند. او پدر آسمانی ایشان است. او آنها را آفریده است. او آنها را به عنوان فرزندان خود برگزیده است و او غلاطیان را وارث تمامی ثروت روحانی خود نموده است. او به غلاطیان آزادی عطا فرموده است و به ایشان حیات جاودانی داده است. پس اینک چگونه است که غلاطیان می‌خواهند دوباره به سوی بت‌ها و اصول دنیوی یعنی آن اصول ضعیف و فقیر (آیه ۹) بازگشت نمایند؟ آن اصول ضعیف و فقیر قادر به نجات دادن کسی نیستند (کولسیان ۲:۸ را مشاهده کنید). منظور پولس رسول از آن اصول ضعیف و فقیر، و اصول دنیوی در آیه ۳، مراسم و تشریفات مذهبی یهودیان می‌باشد.

در اینجا یک سؤال مهم پیش می‌آید: «چرا انسانها باید در پی خشنود ساختن خدا باشند؟» انگیزه پیروان ادیان دیگر از خشنود ساختن خدا، دریافت برکات مادی و معنوی از سوی خدا می‌باشد. حال آنکه ما که از عیسی مسیح پیروی می‌کنیم، از فرط عشق و علاقه به خدا و به خاطر شکرگزاری از هدیه نجات خویش خداوند را می‌پرستیم و در پی خشنود ساختن

او هستیم. چون فرزندان او هستیم، تمایل به پیروی کردن از او داریم و می‌خواهیم مانند پدر آسمانی خود باشیم. پولس رسول به افسسیان چنین نوشت: **بیشتر ظلمت بودید لیکن الحال در خداوند نور می‌باشید، پس چون فرزندان نور رفتار کنید** (افسیان ۵:۸). از اینجاست که فرق میان مسیحیت و ادیان دیگر مشخص می‌گردد. ادیان دیگر می‌گویند: «از دستورات دینی اطاعت نما، و نجات خواهی یافت». حال آنکه مسیحیت به ما می‌گوید: «چون نجات یافته‌ای، اینک اطاعت نما». غیرمسیحیان در پی کسب برکات و نعمات هستند، و مسیحیان در پی شکرگزاری از آن نعماتی می‌باشند که دریافت نموده‌اند.

ولی پیروان ادیان دیگر، گمراه هستند. چرا؟ چون با تکیه بر اعمال خود نمی‌توان خدا را راضی و خشنود نمود. و هرگز نمی‌توان با تکیه بر اعمال مذهبی، رضایت خدا را تحصیل نموده از عقوبتی که در انتظار گناهکاران است نجات یافت. فقط یک راه برای نجات یافتن وجود دارد و آن به وسیله فیض خدا و از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود (افسیان ۲:۸). غلاطیان، این حقیقت مهم را به دست فراموشی سپرده بودند.

بنابراین، جا دارد که انگیزه‌های خود را از اطاعت خدا امتحان کنیم و قلب خود را تقویت نماییم و ببینیم که هدف ما از پیروی نمودن از احکام خدا چیست. آیا در پی کسب نجات هستیم. اگر این طور است، ما نیز همانند غلاطیان **بیفهم** (غلاطیان ۱:۳) هستیم. برعکس، اطاعت ما باید از سر شکرگزاری و فیض بیکران خدا باشد. یوحنا رسول می‌نویسد: **ما او را محبت می‌نماییم زیرا که او اول ما را محبت نمود** (اول یوحنا ۴:۱۹). اگر محبت و فیض خدا در دل‌های ما ریخته نشده باشد، هرگز قدرت و تمایل اجرای احکام او و پیروی کردن از او را نخواهیم داشت.

اجباری پولس این بود که ساکنین غلاطیه خبر خوش نجات را از زبان او شنیدند.

جواب این سؤال که بیماری پولس چه بوده است، مشخص نیست. برخی بر این اعتقادند که ممکن است علت **ضعف** پولس به خاطر سنگسار شدنش در شهر لستره واقع در استان غلاطیه بوده باشد. برخی دیگر از مفسرین، این **ضعف** پولس را همان **خار در جسم** می‌دانند که پولس در دوم قرن‌تیا ۷:۱۲ از آن یاد نموده است. ولی در هر صورت، آنچه که مشخص است این نکته می‌باشد که پولس رسول، حتی در زمان بیماری و ضعف نیز به عیسی مسیح بشارت می‌داد و انجیل را موعظه می‌کرد.

**۱۴** مردم غلاطیه، قدرت انجیل و قدرت مسیح را علیرغم بیماری و ضعف پولس دیدند (اول قرن‌تیا ۲:۳-۴؛ دوم قرن‌تیا ۷:۴). خدا به پولس رسول فرموده بود: **«فیض من ترا کافی است زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد»** (دوم قرن‌تیا ۱۲:۹-۱۰). در نتیجه مشاهده قدرت خدا در پولس، مردم غلاطیه او را به عنوان یک فرشته و یا حتی خود مسیح پنداشته بودند (اعمال ۸:۱۴-۱۵). چرا اکنون به او پشت کرده بودند؟

**۱۵-۱۶** پولس می‌پرسد: **پس کجاست آن مبارک بادی شما؟** به بیانی دیگر چه بر سر شادی غلاطیان آمده بود؟ چرا آنها دیگر از آزادی خود شادی نمی‌کردند؟ پیش از این، آنها آزاد و پُر از شادی بودند، ولی اکنون ابلیس شادی، آزادی و آرامش آنها را دزدیده بود. ابلیس قدرت دزدیدن نجات مسیحیان را ندارد (یوحنا ۱۰:۱۸)، ولی اگر به ابلیس اجازه دهیم، او قادر است که شادی و آزادی ما مسیحیان را بدزدد.

زمانی که پولس از **مبارک بادی** سخن می‌گوید، منظورش خوشی روحانی غلاطیان است که از شنیدن پیام انجیل و تجربه آزادی واقعی در عیسی مسیح حاصل شده بود. خوشی، یکی از ثمرات روح القدس است

ممکن است از نظر ظاهری، رفتار مسیحیان و رفتار پیروان ادیان دیگر مشابه یکدیگر باشد. هر دو در پی جلب رضایت خداوند می‌باشند ولی تفاوت اصلی در دلیل و انگیزه و هدف آنها در امر کسب رضایت خدا می‌باشد. پیروان ادیان دیگر در پی کسب رضایت خدا برای دریافت برکات هستند، حال آنکه انگیزه ما مسیحیان از اطاعت خدا، راضی ساختن خدا است.

**۱۰-۱۱** در این آیات، پولس رسول ترس و وحشت عمیق خود را از گمراه شدن غلاطیان ابراز می‌دارد. آنها از نو پیروی از احکام شریعت، از جمله نگاه داشتن روزهای خاص و اعیاد مذهبی و غیره را آغاز کرده بودند (غلاطیان ۲:۲۰). ترس پولس از این است که زحمتی که برای آنها کشیده بود باطل گردد.

**۱۲ ای برادران ... مثل من بشوید** (اول قرن‌تیا ۱:۱۱ را مشاهده کنید). پولس می‌گوید: «من از شریعت آزاد شده‌ام، من از بندگی آن اصول دنیوی (آیه ۳) رهایی پیدا کرده‌ام، شما هم مثل من بشوید». شما هم می‌توانید مانند پولس آزاد گردید.

پولس ادامه می‌دهد: **چنانکه من هم مثل شما شده‌ام**. به عبارت دیگر، پولس می‌گوید: «من یهودی هستم ولی مثل شما غیریهودی گردیدم. من دیگر به انجام اعمال شریعت تکیه نمی‌کنم؛ من هم مانند شما به عیسی مسیح ایمان آورده‌ام و به خاطر فیض خدا نجات یافته‌ام».

پولس رسول به غلاطیان می‌گوید: **به من هیچ ظلم نکردید**. برعکس، آنها پولس را محبت می‌کردند، پولس اینک از آنها می‌خواهد که او را مانند سابق مورد محبت خود قرار دهند.

**۱۳** زمانی که پولس برای اولین مرتبه به استان غلاطیه سفر کرد، ظاهراً به بیماری مبتلا گشته بود و از **ضعف بدنی** رنج می‌برد. شاید به علت همین بیماری بود که او قادر به ادامه سفر خود نبود و ناگزیر تا موقع بهبودی کامل، در غلاطیه اقامت کرده بود. نتیجه این اقامت

(غلاطیان ۵:۲۲). ما خوشی را تجربه می‌کنیم زیرا که دیگر زیر بار گناه، شریعت و جهان نیستیم. ولی از آنجا که، اکنون غلاطیان به پیروی از **اصول دنیوی** و تکیه بر اعمال شریعت پرداخته بودند، خوشی خود را از کف داده بودند.

زمانی که به پیروان ادیان دیگر نظر می‌کنیم، آیا در چهره ایشان آثار خوشی می‌بینیم؟ آیا اثرات رضایت از رابطه نزدیک با خدا در زندگی آنها آشکار است؟ نه! برعکس، در اکثر موارد، تنها چیزی که به چشم می‌خورد، ترس و وحشت است. ترس و وحشت از اینکه مبادا یکی از اعمال دینی انجام نشده باشد و ترس و وحشت از اینکه مبادا خدا آنها را به عذاب و مجازات ابدی محکوم نماید.

ولی ما که در مسیح می‌باشیم، این چنین ترس و وحشتی را تجربه نمی‌کنیم زیرا که خدا، پدر آسمانی ماست. دیگر اعمال و مراسم مذهبی لزومی ندارد و به همین دلیل دیگر ترس و وحشت از قانون‌شکنی برای ما وجود ندارد. زیرا اکنون اعضای خانواده خداوند هستیم و برای کسب رضایت خداوند، اجرای مراسم مذهبی و پیروی از اعمال دینی لزومی ندارد. پولس رسول می‌ترسد که غلاطیان آزادی و خوشی خود را از دست بدهند.

اغلب مواقع، پیروان ادیان دیگر فکر می‌کنند که مسیحیت مذهبی بسیار ساده و بی‌بند و بار است. آنها می‌گویند که «مسیحیان از شریعت آزاد هستند!» به یک معنا این سخن ایشان درست است (متی ۱۱:۲۸-۲۹ را مشاهده کنید). ولی سادگی پیروی از مسیح به این دلیل نیست که شریعتی وجود ندارد، بلکه آسانی پیروی از مسیح به این دلیل است که خود عیسی مسیح به ما نیروی پیروی از قوانین خود را خواهد داد. او بوسیله روح القدس قدرت گام برداشتن در طریق خود و داشتن خوشی را به ما خواهد داد.

در ابتدای امر، غلاطیان با خوشحالی و شادی بسیار پیام پولس رسول را شنیده، آن را به جان و دل پذیرفته بودند. آنها به حدی از پولس و پیامش ممنون بودند که حاضر بودند چشمان خود را در آورده به پولس هدیه کنند. پولس امیدوار است که آنها اکنون به خاطر این رساله و به خاطر اینکه پولس به ایشان کلام حقیقت را اعلام کرده است، مدلل به دشمنان او نگردند.

چقدر ساده است که یکباره دوستی‌ها به دشمنی مبدل گردد. و چقدر ساده است آنانی را که با عقیده ما مخالف هستند و یا اینکه به ما حقیقت را اعلام می‌کنند دشمن بشماریم!

ولی با این همه، ما باید همیشه آماده باشیم **در محبت پیروی راستی** نماییم (افسیان ۴:۱۵). باید با محبت حقایق را اعلام کنیم، حتی اگر در این اعلام راستی دیگران دشمن ما شوند! ولی بیایید مواظب باشیم که فقط **راستی** را اعلام کنیم! و بیایید مواظب باشیم که این پیروی راستی **در محبت** باشد. از همه مهمتر، این راستگویی بایستی در حضور آن شخص باشد و نه در غیاب وی! اگر از این مبانی و معیارها پیروی کنیم، بسیاری از مسائل شخصی در کلیسا حل خواهد شد و از اغلب دشمنی‌های نابجا جلوگیری خواهیم کرد.

**۱۷** پولس در رابطه با یهودگران می‌گوید: **شما را به غیرت می‌طلبند لیکن نه به خیر بلکه می‌خواهند در را به روی شما ببندند تا شما ایشان را به غیرت بطلبید.** این معلمین در پی آن بودند که غلاطیان را به پیروی خود ترغیب کنند. آنها طالب جلال و بزرگی برای خود بودند و می‌خواستند که شاگردان زیادی برای خود پیدا کنند. آنها می‌خواستند غلاطیان به عوض خدمت به پولس، ایشان را خدمت کنند. پس بنابراین، آنها می‌خواستند که غلاطیان را از پولس دور کنند تا اینکه غلاطیان **ایشان را به غیرت بطلبند.**

**۱۸** در ابتدای ایمانشان، اهالی کلیسای

### مثال هاجر و سارا (۴:۲۱-۳۱)

۲۱ اگر «غلاطیان بی فهم» به دنبال پیروی از شریعت یهودیان می‌باشند، پس بهتر است که حکم شریعت را بشنوند. در اینجا منظور پولس از کلمه «شریعت»، تورات و یا پنج کتاب اول عهدعتیق می‌باشد.<sup>۱۷</sup>

۲۲-۲۳ در اینجا پولس رسول به دو زن اشاره می‌کند. اولین زن، هاجر کنیز سارا، زن اول ابراهیم بود. هاجر، اسمعیل را برای ابراهیم زائید (پیدایش ۱۶:۴-۱۵).

آن زن آزاد، ساراست. سارا که نازا بود، به سن نود سالگی رسیده بود و اولادی نداشت، و از لحاظ طبیعی، محال بود که دیگر صاحب فرزندی شود (پیدایش ۱۶:۱؛ ۱۷:۱۷). ولی خدا به او وعده داده بود که آبستن خواهد شد و برای ابراهیم فرزندی به دنیا خواهد آورد (پیدایش ۱۷:۱۵-۱۶). به این ترتیب بر همگان معلوم می‌شود که اسحق (پیدایش ۲۱:۱-۳)، پسر **حسب روح** و به قدرت خدا تولد یافته است (آیه ۲۹).

۲۴-۲۵ در اینجا هاجر، نمونه شریعت و عهدعتیق می‌باشد. حال آنکه، سارا، نمونه فیض و یا عهدجدید است. زیرا هاجر کوه سینا است (آیه ۲۵)؛ یعنی اینکه هاجر نمونه‌ای است از کوه سینا. خدا شریعت و تورات را بر بالای کوه سینا به موسی داد (خروج ۳۱:۱۸). بنابراین هاجر، نماینده یهودیان و همه کسانی است که زیر شریعت یهود به سر می‌برند. هاجر، همچنین نماینده اورشلیم، شهر مقدس یهودیان، می‌باشد. (لازم به یادآوری است که آن معلمین دروغین و یهودگران از اورشلیم آمده بودند و به خاطر کارها و تعلیمات آنهاست که پولس رسول این نامه را نوشته است).

از آنجا که هاجر کنیز و بنده بود، فرزندان او

۱۷- پنج کتاب اول عهدعتیق، معمولاً با نام شریعت و یا شریعت موسی نیز شناخته می‌شود.

غلاطیه برای پولس غیور بودند. آنها با غیرت و علاقه هرچه تمامتر مشتاق شنیدن پیام انجیل بودند. اما اکنون که پولس از نزد آنها رفته و دور شده است، آنها برای معلمین کذب غیرت به خرج می‌دهند. ولی قصد آن معلمین خیر نیست بلکه آنها می‌خواهند در را به روی شما ببندند (آیه ۱۷). پولس با تأکید تمام می‌گوید که چنین غیرت نابجا خوب نیست. آنها نباید برای معلمین کذب و تعالیم مضر غیرت نشان بدهند.

۱۹-۲۰ پولس همانند یک مادر، با درد و رنج بسیار، کلیسای غلاطیه را در ایمان تولید نموده است. ولی اکنون مثل این است که یکبار دیگر برای تولد آنها درد زده (درد زایمان) را تحمل می‌کند (آیه ۱۹). دلیل این درد و رنج پولس این است که غلاطیان از سوی حقیقت باز گشته‌اند و پولس باید یک بار دیگر آنها را متولد سازد.

پولس به غلاطیان می‌گوید اشتیاق و تمایل شدید دارد تا صورت مسیح در شما بسته شود (آیه ۱۹). این هدف و اشتیاق هر شبان و واعظ راستین می‌باشد. همانطور که مادر تا زایمان کامل طفل از درد خود خلاص نمی‌گردد، به همین ترتیب نیز، درد پولس تا زمان رشد کامل غلاطیان تسلی و تسکین نخواهد پذیرفت.

**تا صورت مسیح در شما بسته شود.** بسته شدن صورت مسیح در ما به این معنا است که مسیح در ما زندگی کند و با کمک روح القدس، ما را به شکل و طبیعت خود در آورد (رومیان ۸:۱۰-۱۱). معنی این را می‌توان در این آیه نیز دید: **تا به صورت پسرش متشکل شوند** (رومیان ۸:۲۹؛ دوم قرنتیان ۳:۱۸). و بالاخره، بسته شدن صورت مسیح در ما به این معنی است که: **تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تا م پسر خدا و به انسان کامل به اندازه قامت و پُری مسیح برسیم** (افسیسیان ۴:۱۳).

نیز در اسارت و بندگی به دنیا خواهند آمد. آنها بنده شریعت بودند. یهودیان به این که فرزندان ابراهیم هستند، فخر می‌کردند. ولی در اینجا پولس می‌گوید که آنها فرزندان هاجر (یا کنیززاده) هستند؛ آنها آزاد نمی‌باشند و برعکس، همچون فرزندان یک کنیز، در بند و بندگی شریعت گرفتارند.

**۲۶ لیکن اورشلیم بالا آزاد است.** مقصود از اورشلیم بالا، اورشلیم سماوی یعنی ملکوت خدا، می‌باشد (عبرانیان ۲۲:۱۲؛ مکاشفه ۲:۲۱ را مشاهده کنید). اورشلیم سماوی، مکانی است که ایمانداران تا ابد با عیسی مسیح زندگی خواهند کرد و در آنجا آزادی برقرار خواهد بود. سارا، نماینده و مظهر اورشلیم سماوی می‌باشد. سارا مادر همه ایمانداران است. او مادر تمام فرزندان روحانی ابراهیم است که **بر حسب وعده** به دنیا آمده‌اند. یعنی تمام کسانی که به خاطر وعده خدا به ابراهیم و سارا، متولد شده‌اند.

**۲۷** در این قسمت، پولس رسول از اشعیاء ۱:۵۴ نقل قول می‌کند. منظور از **فازاد**، سارا است. این کلمات خطاب به سارا است که می‌گوید: **شاد باش! صدا کن و فریاد برآور ای تو که درد زه ندیده‌ای، زیرا که فرزندان زن بی‌کس از اولاد شوهردار<sup>۱۸</sup> بیشترند.**

**۲۸** وعده خدا، یعنی کلام او، بسیار پُر قدرت است. به وسیله کلام خدا بود که سارا در سن نود سالگی و در منتهای پیری، حامله شده، صاحب فرزند ذکوری به نام اسحق گردید. به همین ترتیب، به وسیله کلام قدرتمند و پُر از فیض خداست که غلاطیان **بر حسب روح** تولد یافته‌اند (آیه ۲۹). اکنون، غلاطیان اتباع اورشلیم آسمانی می‌باشند. آنها فرزندان واقعی و روحانی ابراهیم هستند. آنها از طریق روحانی به خاطر فیض خدا است که فرزند ابراهیم گردیده‌اند. پس چرا غلاطیان می‌خواهند به طریق‌های جسمانی باز گردند؟ چرا می‌خواهند

فرزندی سارا را ترک کرده، فرزندان هاجر شوند؟ **۲۹** پولس خاطر نشان می‌کند که بر طبق پیدایش ۹:۲۱، فرزند هاجر که به طور طبیعی و **بر حسب جسم تولد یافت** اسحق را که **بر حسب روح بود جفا می‌کرد.** همچنین **الآن نیز هست.** در زمان پولس رسول، ایمانداران به مسیح که بر حسب روح تولد یافته بودند، به وسیله رومیان و یهودیان مورد آزار و شکنجه و جفا قرار داشتند. زیرا که فرزندان جسم، همیشه فرزندان روح را مورد ستم قرار خواهند داد.

**۳۰** در اینجا پولس رسول از کتاب پیدایش ۱۰:۲۱ نقل قول می‌کند. در کتاب پیدایش می‌خوانیم که سارا به ابراهیم گفت: **کنیز (هاجر) و پسر او (اسمعیل) را بیرون کن.** و ابراهیم هم مطابق گفته سارا عمل نمود (پیدایش ۱۲:۲۱-۱۴). به همین ترتیب نیز، غلاطیان بایستی تعلیمات یهودگران را از خود «بیرون کنند».

**۳۱** اینک ما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم، فرزندان زن آزاد (سارا) می‌باشیم. ما فرزندان وعده (آیه ۲۸) می‌باشیم. ما به وسیله «فیض» خدا، اولاد او گردیده‌ایم. یعنی اینکه به توسط روح القدس، از خدا تولد یافته‌ایم (رومیان ۱:۴). همان روح‌القدس که با ایمان از سوی خدا دریافت نموده‌ایم.

## باب ۵

### آزادی در مسیح (۱:۵-۱۲)

**۱** **مسیح ما را آزاد کرد.** او ما را از لعنت شریعت، و حکم موت شریعت رها کرده است (غلاطیان ۳:۱۳). ما مانند زندانیانی بودیم که در

۱۸- زمانی که ابراهیم دید سارا فرزندی برایش نمی‌آورد، هاجر را به همسری اختیار کرد و به این ترتیب، هاجر همسر دوم ابراهیم گردید (پیدایش ۱۶-۴). بنابراین، سارا مانند زن بی‌شوهر است؛ در حالی که کنیز او «شوهردار» گردیده است.

موبه‌مو و دقیق تمامی اعمال شریعت یهود، محال می‌باشد (غلاطیان ۲: ۱۵-۱۶؛ ۳: ۱۰ را مشاهده کنید).

۴ شریعت و فیض با یکدیگر در تضادند. ما نمی‌توانیم این دو را با یکدیگر مخلوط کنیم. غلاطیان به توسط فیض عادل شده بودند. ولی اکنون می‌خواستند که به انجام اعمال شریعت جهت مقبول افتادن در نزد خدا تکیه نمایند. اگر ایشان به این رویه ادامه دهند، فیض خدا را از کف خواهند داد. آنها از مسیح که نجات دهنده ایشان است دور خواهند افتاد و از مسیح باطل خواهند گردید.

افراد بسیاری هستند که عیسی مسیح را به وسیله فیض دریافت می‌کنند ولی پس از مدت کمی از او دور می‌افتند (مرقس ۴: ۱۶-۱۷). آنها به راههای گذشته خود باز می‌گردند. آنهايي که این کار را می‌کنند، مانند غلاطیان از فیض ساقط خواهند شد. به همین خاطر است که پولس در آیه ۱ می‌گوید: **استوار باشید**. پولس از غلاطیان می‌خواهد که مواظب باشند که از فیض ساقط نگردند.

ما نمی‌توانیم مسیحیت را با ادیان دیگر مخلوط کنیم. ما نمی‌توانیم مسیحیت را به دین سابق خود اضافه نماییم. یا به عیسی مسیح ایمان کامل داریم یا به ادیان دیگر اعتماد می‌کنیم، ولی ایمان همزمان به مسیح و خدایان دیگر، مجاز نمی‌باشد. زیرا مسیحیت دینی مانند ادیان دیگر نیست. مسیح یکی از راههای متعدد به سوی خدا نیست، بلکه او تنها راه به سوی خدای قادر مطلق و پدر آسمانی می‌باشد (یوحنا ۱۴: ۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

هیچ کس قادر نیست همزمان در دو جاده راه برود. کسی که گمان می‌کند قادر است هم از عیسی مسیح اطاعت کند و هم از باورهای دین سابق خود پیروی نماید، خود را فریب می‌دهد. هر که این کار را می‌کند، به طور واقعی و حقیقی به عیسی مسیح ایمان نیاورده است. این چنین

سیاهچال گناه زندگی می‌کردیم و منتظر حکم اعدام خود بسر می‌بردیم. و در این حالت بود که مسیح آمد و با مرگ خود بر روی صلیب، ما را آزاد گردانید (رومیان ۷: ۶). دیوانگی محض است که پس از آزادی از چنان زندانی بخواهیم دوباره به آن سیاهچال بازگردیم. ولی غلاطیان می‌خواستند همین اشتباه را مرتکب گردند. ایشان از زندان شریعت آزاد شده بودند ولی اکنون می‌خواستند بار دیگر خود را در بند قوانین مذهبی یهودیان گرفتار نمایند. از این سبب است که پولس به ایشان هشدار می‌دهد که **استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید**.

۲ یکی از بندها و اسارت‌هایی که غلاطیان می‌خواستند برگردن خود بگذارند، ختنه بود. ختنه شدن، کاری اشتباه نیست (اعمال ۱۶: ۳ را مشاهده کنید). ولی اگر گمان کنیم که با ختنه شدن و مثل یهودیان گردیدن، نجات خواهیم یافت، در اشتباهیم. اگر فکر کنیم که با توسل به ختنه و یا هر کار دیگر، نجات پیدا خواهیم کرد، کار مسیح را بی‌ارزش نموده‌ایم. زیرا اگر برای نجات خود به اعمال بشری خودمان تکیه نماییم، کار مسیح را بی‌ارزش نموده‌ایم. زیرا که در آن صورت دیگر با تکیه بر کارهای خود نجات خواهیم یافت و دیگر به عیسی مسیح نیازی نخواهیم داشت. اگر برای نجات خود، فقط به مسیح اعتماد نکنیم، نجات نخواهیم یافت. ما تنها توسط عیسی مسیح نجات پیدا کرده‌ایم و بس!

۳ در آیه ۲ پولس رسول به غلاطیان گفت که **اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفع ندارد**. اکنون پولس به غلاطیان یادآور می‌شود که ختنه به تنهایی هیچ منفعتی در پی نخواهد داشت. چرا؟ چون اگر غلاطیان می‌خواهند با توسل به انجام اعمال شریعت عادل گردند، بایستی نه تنها ختنه بلکه تمامی اعمال شریعت را به جا آورند. در قوانین یهود، بیش از ششصد قانون کوچک و بزرگ وجود دارد؛ و انجام

سرازیر خواهد شد. به بیانی دیگر، اطرافیان و همسایگان ما باید محبت ما را مشاهده کنند. ما باید ایمان و نجات خود را به وسیله محبت عملی و واقعی نسبت به خدا و دیگران، به نمایش بگذاریم.

۷ زندگانی مسیحی مانند یک مسابقه است (دوم تیموتائوس ۴:۷؛ عبرانیان ۱۲:۱). غلاطیان خوب شروع کرده بودند ولی معلمان دروغین، در راه آنها مانع ایجاد نموده بودند. بدتر از این، غلاطیان در جهت مخالف اراده مسیح می‌دویدند! آنها چشم خود را از عیسی برداشته بودند (عبرانیان ۲:۱۲). **غلاطیان از اطاعت راستی یعنی از اطاعت انجیل منحرف** شده بودند. این حقیقت را باید به خاطر داشت که نه تنها باید به راستی ایمان داشت، بلکه باید از راستی اطاعت و پیروی نمود.

۸ پولس به غلاطیان می‌گوید: **این ترغیب** (پیروی از قوانین مذهبی یهود و ترغیب به ختنه شدن) **از او که شما را خوانده است (عیسی مسیح)، نیست.**

۹ حتی مقدار کمی از این تعلیمات غلط هم باعث انحراف و خسارت زیادی خواهد شد. **اندک خمیر مایه (تعالیم غلط) تمام خمیر را مخمر می‌سازد.** حتی مقدار کمی از این تعلیم

۱۹- در اکثر مواقع، زمانی که شخصی پیروی از مسیح را شروع می‌کند، او بایستی به طور کامل خود را از راههای سابق و دین گذشته خویش جدا نماید. ولی یک استثناء وجود دارد، و آن موقعی است که یک نفر یهودی به عیسی مسیح ایمان آورد. برای یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان می‌آوردند لازم نیست که دین گذشته خود را ترک نمایند. پولس و دیگر رسولان، یهودی باقی ماندند. عیسی، خود یک نفر یهودی بود. برای یک نفر یهودی لازم است که از یک چیز بازگشت نماید و آن تکیه کردن بر اعمال شریعت است. زمانی که یک نفر یهودی به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، لازم است که برای نجات خود، به طور کامل به عیسی مسیح تکیه نماید.

شخصی، نجات نخواهد یافت.<sup>۱۹</sup>

۵ معلمان یهودی نژاد و یهودگران به غلاطیان گفته بودند که فقط با نگاه داشتن اعمال شریعت یهود می‌توان رضایت خدا را بدست آورد. ولی پولس رسول در اینجا می‌گوید: **بواسطه روح از ایمان، مترقب امید عدالت هستیم.** یعنی اینکه به واسطه ایمان است که عدالت و پاکی مسیح به حساب ما گذاشته می‌شود. به وسیله ایمان به عیسی مسیح است که در عدالت او شریک خواهیم شد و به خاطر عیسی مسیح است که عادل خواهیم شد (رومیان ۵:۱-۲) و به این ترتیب از **قصاص** نجات پیدا خواهیم نمود (رومیان ۸:۱).

۶ برای نجات یافتن به توسط عیسی مسیح **نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی.** یعنی اینکه ختنه شدن باعث هیچ گونه برتری و اولویتی نخواهد شد (غلاطیان ۶:۱۵). زیرا که ما تنها به توسط ایمان به عیسی مسیح نجات یافته‌ایم. در اینجا یک سؤال مهم مطرح می‌گردد: «منظور از ایمان چیست؟» بسیاری می‌گویند که «من ایمان دارم، من ایمان دارم». ولی این گونه ایمان داشتن کافی نیست (متی ۲۱:۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). چرا این نوع ایمان آوردن کافی نیست؟ زیرا ایمان باید خود را در عمل ثابت کند. پولس می‌گوید فقط آن **ایمانی که به محبت عمل می‌کند** به نجات منجر خواهد گردید.

زمانی که ما به عیسی ایمان می‌آوریم، روح‌القدس به زندگی ما وارد می‌شود، و **محبت خدا در دل‌های ما به روح‌القدس که به ما عطا شد ریخته شده است** (رومیان ۵:۵). محبت، بزرگترین، مهم‌ترین، و اولین ثمره روح‌القدس است (آیه ۲۲). بنابراین، ایمان واقعی همیشه قلب ما را با محبت خدا و عشق نسبت به دیگران پُر خواهد ساخت. و اگر در قلب ما محبت وجود داشته باشد، مهر و علاقه و عطوفت ما به طور طبیعی به سوی دیگران



را نجات دهیم. از اعمال مذهبی پیروی خواهیم کرد و خدا را راضی خواهیم ساخت». و به همین ترتیب است که صلیب عیسی مسیح به جهت این گونه افراد، باعث لغزش خواهد شد.

**۱۲** لحن سخن پولس رسول در اینجا بسیار تند شده و در رابطه با **آفانی که شما** (کلیسای غلاطیه) را **مضطرب می سازند**، از کلماتی بسیار محکم و جدی استفاده می کند. پولس می گوید، بهتر است که آن معلمین کذب، به عوض ختنه شدن، «اخته» شوند! در قرن اول میلادی، (در زمان پولس رسول)، بعضی از پیروان بت ها، خود را برای بت و خدای خود اخته می ساختند. از این جهت است که پولس، آن معلمین کذب را مورد نکوهش قرار می دهد و با این کلمات می گوید که ایشان بت پرست می باشند.

### زندگی در روح (۵: ۱۳-۲۶)

**۱۳** خدا انسان را برای آزادی و آزاد بودن، و نه بندگی آفریده است (یوحنا ۸: ۳۲-۳۶؛ رومیان ۸: ۲؛ غلاطیان ۵: ۱). ولی در اینجا پولس رسول هشدار می دهد که **زنجار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید**<sup>۲۰</sup>.

ما مسیحیان کاملاً آزادیم. ولی این آزادی به ما اجازه ارتکاب گناه را نمی دهد (رومیان ۶: ۱-۲، ۱۲-۱۴). ما از بند و بندگی شریعت و مقررات مذهبی آزاد گردیده ایم، ولی آزاد نیستیم که قوانین خدا را بشکنیم. هر چند که از آزادی کامل برخورداریم، ولی زندگی ما باید نمونه قدوسیّت و پاکی باشد (متی ۵: ۴۸؛ اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶).

۲۰- در عوض کلمه «جسم»، در بعضی ترجمه ها از عبارت «امیال جسمانی» استفاده شده است، هر چند معنی عبارت «امیال جسمانی» صحیح است ولی کلمه «جسم»، ترجمه تحت اللفظی متن یونانی است. جهت توضیح بیشتر در فهرست لغات، کلمه «جسم» را مشاهده کنید.

غلط کافی است که تمام کلیسا را آلوده بسازد. **۱۰** ولی با تمام اینها، پولس هنوز برای آینده غلاطیان امیدوار می باشد. او هنوز امیدوار است که غلاطیان به دنبال تعالیم غلط نروند و به پیروی از انجیل عیسی مسیح ادامه دهند. در عین حال، او به معلمین کذب هشدار می دهد که ایشان **قصاص خود را خواهند یافت**. هر کس که مسیحیان را از اطاعت راستی باز دارد و ایمانداران را منحرف کند، از جانب خدا مورد تنبیه قرار خواهد گرفت.

**۱۱** بعضی از اعضای کلیسای غلاطیه آنقدر دچار اشتباه و توهم شده بودند که فکر می کردند که پولس هم به ضرورت ختنه تأکید می کند. در جواب این اتهام، پولس می پرسد: «اگر این اتهام صحیح بود، چرا من اینهمه از سوی یهودیان مورد آزار و اذیت قرار می گیرم؟»

اگر پولس بر اهمیت ختنه پافشاری می کرد، **در این صورت لغزش صلیب برداشته می شد**. اگر انسانها با انجام اعمال شریعت و ختنه نجات می یافتند، دیگر لازم نبود که به صلیب و مرگ عیسی مسیح به جهت نجات بشریت موعظه شود. زیرا برای یهودیان، صلیب عیسی مسیح **سنگ لغزش دهنده** محسوب می شد (اول قرنیتان ۱: ۲۳). یهودیان، طعنه زنان می گفتند: «چگونه ممکن است یک نفر مجرم که بر روی صلیب اعدام شده است، نجات دهنده جهان باشد؟» این امر باعث می شد که آنها از صلیب لغزش بخورند. به همین سبب بود که یهودیان، پولس رسول را به خاطر موعظه صلیب، مورد انواع آزار و اذیت قرار می دادند.

بشر، ذاتاً مغرور است و نمی خواهد در مورد صلیب چیزی بشنود. ولی عیسی مسیح از بالای صلیب به مردم نگاه کرده می گوید: «به من ایمان بیاورید و من به شما نجات و بخشش از گناهان را عطا خواهم کرد. به من ایمان بیاورید و زنده بمانید». ولی یهودیان می گفتند: «ما به صلیب و قربانی گناهان نیازی نداریم. ما خود قادریم خود

متی ۲۲:۳۵-۴۰؛ مرقس ۱۲:۳۱؛ رومیان ۱۳:۸-۹؛ غلاطیان ۶:۲).

حال یک سؤال مطرح می‌گردد: «آیا پولس رسول شریعت تازه‌ای به مسیحیان غلاطیه عرضه می‌کند؟» اگر پولس شریعتی تازه به آنها می‌دهد، پس مسیحیان با یهودیان، فرق چندانی ندارند.

ولی این قانون محبت، مثل آن شریعت سابق نمی‌باشد. قانون محبت، از زمین تا آسمان با شریعت و اجرای مراسم و قوانین مذهبی فرق دارد. پیش از هر چیز، باید به خاطر داشت که انگیزه یهودیان از اجرای دستورات شریعت، نجات یافتن و دسترسی به خدا بود. حال آنکه، انگیزه ما مسیحیان از پیروی از شریعت محبت، کسب نجات نیست. ما نجات یافته‌ایم و محبت و اطاعت ما، نمونه‌ای است از عمق قدرشناسی ما نسبت به محبت عظیم خدا. ما به وسیله فیض خدا و با ایمان به عیسی مسیح، نجات یافته‌ایم. نجات یافتن ما و قبول شدنمان در سایه اطاعت از قوانین مسیحیت نبوده است، بلکه ما به خاطر هدیه فیض عیسی مسیح نجات پیدا کرده‌ایم.

فرق دوم بین ما و ادیان دیگر در این است: یهودیان و پیروان ادیان دیگر، سعی دارند که با تکیه به قوت و توان خود از مراسم مذهبی و قوانین شریعت دین خود اطاعت نمایند. ولی ما مسیحیان به قوت خود محبت نمی‌کنیم، بلکه خود خدا با قوت روح القدس که در قلب ما ریخته شده است، ما را برای محبت کردن آماده می‌سازد. ما انسانها خودخواه‌تر از آن هستیم که بتوانیم دیگران را به طور کامل مورد محبت قرار دهیم. به همین دلیل است که روح القدس که در قلب و زندگی ما مسیحیان ساکن می‌باشد (رومیان ۵:۵)، ما را کمک خواهد کرد که دیگران را آنگونه که باید مورد محبت قرار دهیم.

بلی، ما مسیحیان باید از شریعت محبت پیروی نماییم. ولی این خدا است که با کمک

ممکن است پیروان ادیان دیگر، ما مسیحیان را به بی‌حرمتی نسبت به شریعت متهم کنند. متأسفانه در بعضی موارد این اتهامها وارد است! ولی زندگی ما نباید اینگونه باشد.

ما مسیحیان از آزادی کامل برخوردار می‌باشیم، ولی بایستی مطابق یک اصل مهم زندگی کنیم، نام این اصل، قانون محبت می‌باشد (مرقس ۱۲:۲۹-۳۱؛ یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما آزادیم که یکدیگر را در محبت خدمت کنیم. ما آزادیم که در محبت، از سخنان دیگران اطاعت نماییم. اطاعت و خدمت یک غلام، از روی ترس و اجبار و وظیفه است. او هرگز آزادانه و از روی محبت ارباب خود را اطاعت و خدمت نمی‌کند. ولی ما که در مسیح آزاد می‌باشیم، بایستی یکدیگر را در محبت خدمت و اطاعت کنیم. زیرا فقط یک فرد آزاد، قدرت خدمت کردن از روی محبت را دارا می‌باشد.

ما مسیحیان از گناه آزاد گردیده‌ایم، ولی در عین حال باید آزادانه، خود را به خدا و قوانین او تسلیم کنیم و خود را نسبت به خدا بنده محسوب نماییم (رومیان ۶:۲۲). ما از اسارت ارباب قدیمی یعنی شریعت و قوانین مذهبی که منتهی به موت و هلاکت می‌گردید، آزاد گردیده‌ایم؛ ولی اینک ما خادمین اربابی جدید (عیسی مسیح) هستیم و او ما را به سوی حیات جاودانی رهبری می‌کند. سابقاً ما به خاطر ترس و اجبار از شریعت و قوانین مذهبی پیروی می‌کردیم، ولی اینک با کمال میل و از سر مهر و محبت و به طور داوطلبانه از مسیح پیروی و اطاعت می‌نماییم. چرا؟ چونکه او را دوست داریم و عاشق عیسی مسیح هستیم (یوحنا ۱۴:۱۵-۲۱؛ اول یوحنا ۴:۱۸).

**۱۴** معلمین یهودگرا که به استان غلاطیه رفته بودند، به خوبی می‌دانستند که تمامی شریعت در یک کلمه خلاصه می‌شود: **همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما** (لاویان ۱۹:۱۸؛

نمی‌تواند استقامت داشته باشد (مرقس ۳: ۲۵). حتی اگر نکات منفی که در باره دیگران می‌گوییم حقیقت هم داشته باشد، به زبان آوردن آن نکات منفی، باعث تخریب کلیسا خواهد شد. در کلیسای عیسی مسیح، غیبت جایز نیست. اگر چیزی به ضد برادر خود بگوییم، غیبت کرده‌ایم و به کلیسا یا بدن عیسی مسیح زخم وارد ساخته‌ایم. اگر برادر دینی مادر گناه و یا در لغزش افتاده است، ما موظف هستیم که اول به طور خصوصی موضوع را با خود او در میان بگذاریم. باید به برادر خود اجازه دهیم که از خود دفاع کند (متی ۱۵: ۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). و فقط اگر او حرف ما را قبول نکرد و کماکان به گناه خود ادامه داد، آنگاه اجازه داریم که موضوع را با کلیسا در میان بگذاریم (متی ۱۶: ۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی در هر صورت، ما هرگز اجازه نداریم که در میان خودمان به بدگویی و غیبت کردن راجع به برادران خود مشغول شویم.

**۱۶** ما که روح‌القدس را دریافت کرده‌ایم، بایستی به روح رفتار کنیم. باید از سوی روح‌القدس هدایت شویم. ما ایمانداران نباید شهوات جسم را به جا بیاوریم، بلکه باید به راهنمایی روح‌القدس گوش کنیم. و به عوض آنکه تحت فرمان جسم و خواهشهای نفس خودمان باشیم، از صدای روح‌القدس اطاعت نماییم. با اطاعت از روح‌القدس، نیروی اطاعت از خدا را خواهیم یافت و با کمک او از گناه دوری خواهیم کرد.

اگر با کمک و هدایت روح‌القدس زندگی و رفتار نکنیم، هرگز قدرت نخواهیم داشت او را «ای پدر» صدا کنیم (رومیان ۸: ۱۴ را مشاهده کنید).

**۱۷** هر چند که به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم و به او اعتماد داریم و روح‌القدس را دریافت کرده‌ایم، اما طبیعت گناه‌آلود سابق هنوز کاملاً نمرده است. هر چند که انسانیت سابق،

روح‌القدس، به ما قدرت محبت کردن را عطا خواهد نمود. زیرا هر عمل نیکویی که انجام می‌دهیم، به واسطه قدرت خدا در زندگی ما می‌باشد.

در اینجا، پولس رسول در باره حکم اول یعنی **خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما** (مرقس ۱۲: ۳۰)، اشاره‌ای نمی‌کند. چرا؟ چون هر فرد یهودی می‌دانست که این حکم، بزرگترین و بالاترین حکم است. بنابراین پولس در خود نیازی به تکرار آن نمی‌بیند. ولی در هر صورت، ما بایستی به یاد داشته باشیم که اگر خدا را به تمامی دل و جان و خاطر و قوت خود محبت نماییم؛ مطمئناً نخواهیم توانست همسایه خود را محبت کنیم. قبل از هر چیز بایستی نسبت به خدا محبت داشته باشیم و محبت ما نسبت به دیگران، زائیده محبت ما به خدا می‌باشد.

از سوی دیگر، اگر در زندگی ما نشانی از محبت به دیگران دیده نشود، هرگز قادر نخواهیم بود ادعا کنیم که خدا را دوست می‌داریم. محبت واقعی نسبت به خدا، همیشه به صورت محبت نسبت به دیگران نمایانگر خواهد شد (اول یوحنا ۴: ۲۰-۲۱). و همسایه من کیست؟ هر انسان نیازمند و محتاج به کمکی، همسایه من است (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷ را مشاهده کنید).

**۱۵** در جایی که روح‌القدس نباشد، محبت نیز وجود نخواهد داشت. و جایی که محبت وجود نداشته باشد مردم یکدیگر را خواهند گزید و خواهند خورد. یعنی در جایی که محبت وجود نداشته باشد، مردم باعث آزار و اذیت یکدیگر خواهند گردید.

اگر ما به یکدیگر بدی کنیم، پشت سر همدیگر غیبت نماییم و افترا بزنیم، کلیسایمان از هم پاشیده خواهد شد. عیسی مسیح فرمود: **هرگاه خانه‌ای به ضد خویش منقسم شود، آن خانه**

خواهشها و شهوات خود اسیر خواهد ساخت. اگر این اتفاق پیش آید، بار دیگر آزادی خود را از کف خواهیم داد و بار دیگر بنده گناه خواهیم شد.

**۱۸ اما اگر از روح هدایت شدید، زیر شریعت نیستید.** در اینجا منظور از «شریعت»، قوانین مذهبی یهودیان می‌باشد. پولس رسول در جایی دیگر، این قوانین مذهبی را **شریعت موت و گناه** می‌نامد (رومیان ۲:۸). قرار داشتن زیر این شریعت، یعنی قرار گرفتن در زیر بار لعنت (غلاطیان ۳:۱۳)؛ یعنی محکوم شدن به حکم اعدام، یعنی اسارت در چنگال شوم گناه. پولس می‌گوید اگر تحت امر روح القدس باشیم، دیگر لزومی به زندگی گناه‌آلود نخواهد بود. دیگر لازم نیست که از شریعت موت و گناه اطاعت کنیم. درست است که در روح و روان ما کماکان جنگ و مبارزه بین پیروی از گناه و یا اطاعت از خدا وجود خواهد داشت؛ ولی با کمک روح القدس، خواهیم توانست از میدان مبارزه سربلند بیرون بیایم.

چگونه بر گناه پیروزی خواهیم یافت؟ پیروزی بر گناه را در سایه اطاعت از روح القدس و هدایت شدن به توسط او به دست خواهیم آورد. ما با نیرو و اراده خود به جنگ گناه نمی‌رویم، بلکه با قرار دادن خود تحت امر و اراده روح خدا، نیرو و اسلحه لازم جهت این جنگ روحانی را دریافت خواهیم نمود (رومیان ۹:۸) و با کمک روح القدس، ظفرمند خواهیم شد.

یهودیان و پیروان ادیان دیگر معتقدند که اجرای مراسم مذهبی و پیروی از دستورات دینی، به آنها قدرت غلبه بر گناهان را خواهد داد. ولی این ادعا صحت ندارد. هیچ شریعت و قانونی، قدرت دور نگاه داشتن ما از گناه را دارا نمی‌باشد. بلی، امکان دارد که شریعت مانع انجام گناه در عمل و ظاهر شود، ولی هیچ شریعتی قدرت نخواهد داشت ما را از گناهان

تحت کنترل عیسی مسیح در آمده است ولی گذشته گناهکار ما هنوز با ماست. و آن انسانیت کهنه، همیشه با مسیح و راههای روح القدس در دشمنی و عداوت به سر خواهد برد. انسانیت کهنه همیشه با طبیعت تازه ما در حال جنگ خواهد بود. او با هر کار روح القدس مخالفت خواهد کرد و دائماً مترصد است که زندگی جدید ما را از بین برده، ما را به راههای سابق باز گرداند.

بنابراین، در درون ما همیشه جنگی برپا خواهد بود. و این جنگ تا روزی که زنده‌ایم ادامه خواهد داشت. هر روز، انسانیت تازه می‌خواهد رضایت خدا را کسب نماید ولی طبیعت کهنه و آلوده به گناه، در پی برآورده ساختن امیال زشت خویش است (رومیان ۷:۱۸-۱۹).

تا وقتی که **در روح رفتار** می‌کنیم (آیه ۱۶)، شهوات جسم را به جا نخواهیم آورد. زمانی که به روح القدس زندگی می‌کنیم، انسانیت کهنه ما با مسیح مصلوب گردیده است، یعنی اینکه قدرت انسانیت کهنه در هم شکسته است (رومیان ۶:۶-۷، ۱۲-۱۴؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ ۵:۲۴) و تفسیر آن را مشاهده کنید). پولس رسول می‌گوید: اگر به روح القدس زندگی نمایید، دیگر مرتکب گناه نخواهید شد و **شهوات جسم را به جا نخواهید آورد**. زیرا که به کمک روح القدس، قدرت طبیعت کهنه کاسته خواهد شد و جسم و شهوات آن، بر ما چیره نخواهد شد. به کمک نیروی روح القدس، بر گناه و طبیعت کهنه خود پیروزی خواهیم یافت و از قدرت و حاکمیت طبیعت کهنه خود آزاد خواهیم شد.

ولی اگر از زیستن با روح القدس باز ایستیم، اگر از تکیه بر او دست برداریم؛ بلافاصله آن طبیعت کهنه و آن انسانیت گناه‌آلود سابق، از صلیبی که بر روی آن مصلوبش کرده بودیم پائین خواهد آمد! و بار دیگر ما را در چنگال

ببینید چه چیزی باعث رنجش و حزن روح القدس گردیده است. باید به گناه مخفی خود اعتراف نمایید و از آن توبه نمایید. زیرا هرگاه گناه کنیم، خود را از خدا دور می‌سازیم (در بخش مقالات عمومی، مقاله «بیداری» را مشاهده کنید).

**۱۹-۲۱** اینک پولس رسول فهرستی از گناهانی که باعث جدایی ما از خدا می‌شوند در اختیار ما قرار می‌دهد. بیایید با دقت به هر یک از این گناهان **جسم** توجه کنیم. آیا وجود یک یا چند تا از آن گناهان را در زندگی خود می‌بینیم؟ (رومیان ۱: ۲۹-۳۱ را مشاهده کنید).

چقدر زود گناه را در زندگی دیگران می‌بینیم! ولی مشاهده گناه در زندگی خودمان چه مشکل می‌نماید! ما همیشه در نظر خودمان پاک و بی‌گناه می‌باشیم.

ولی ما نباید به گناهان دیگران نگاه کنیم. بلکه فقط باید متوجه گناهان خودمان باشیم. بیایید از روح القدس بخواهیم که ما را متوجه گناهان مخفی خودمان بسازد (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴).

از پانزده گناهی که در این جدول ذکر شده است، هشت مورد آن مربوط به مسائلی می‌شود که باعث جدایی و تفرقه در کلیسا خواهد گردید. یعنی آن گناهانی که باعث «گزیدن و خوردن و هلاک کردن» یکدیگر می‌شود (آیه ۱۵).

باید بدانیم که در کلیسا، فقط به دو دلیل اجازه داریم با برادر و یا خواهر خود به مخالفت برخیزیم و یا خود را از او جدا بسازیم. اول، اگر برادر و یا خواهری به طور علنی و بی‌آنکه توبه نماید به زندگی در گناه ادامه دهد (اول قرن‌تین ۵: ۱۱). دوم، زمانی است که برادر و یا خواهری منکر الوهیت عیسی مسیح بشود و این حقیقت را که «عیسی خداست که در جسم آمده است»، انکار نماید. یعنی زمانی که برادر و یا خواهری تعلیم غلطی راجع به مسیح را بپذیرد و آن را

مخفی خود باز دارد. قوانین و اعمال مذهبی قدرت پاک ساختن قلب ما و از بین بردن خیالات بد و فاسد را ندارند. تنها به کمک نیروی روح القدس است که می‌توان بر خیالات بد و افکار زشت پیروزی حاصل نمود. بیایید این حقیقت را همیشه به یاد داشته باشیم که خدا اول به درون ما نگاه می‌کند و سپس به اعمال ظاهری‌مان نظر می‌افکند (اول تواریخ ۹: ۲۸؛ ارمیاء ۱۷: ۱۰؛ مرقس ۷: ۶).

شاید این سؤال مطرح شود که «چرا مسیحیان گناه می‌کنند؟» آنها به این دلیل مرتکب گناه می‌شوند که می‌خواهند گناه کنند! آنها مرتکب گناه می‌شوند، زیرا اراده کرده‌اند که گناه کنند. مسیحیان از اسارت گناه آزاد می‌باشند و روح القدس را در درون خود دارند. ولی زمانی که ما مسیحیان و سوسه می‌شویم، در همان حال روح القدس به ما می‌گوید: «تسلیم نشو». اگر به صدای روح القدس گوش کنیم، لغزش نخواهیم خورد. ولی اگر به نجوای روح القدس اعتنایی نکنیم، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای به دام گناه اسیر خواهیم شد. نه تنها به دام گناه می‌افتیم، بلکه واقعه‌ای بدتر از آن نیز رخ خواهد داد، روح القدس از ما محزون خواهد شد و ما را رها خواهد نمود. زیرا که روح پاک خدا نمی‌خواهد که در درون قلبی ناپاک زندگی کند. این همان نکته‌ای است که پولس رسول در رساله به افسسیان نوشته است: **روح قدوس خدا را که به او تار و زری مستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید** (افسسیان ۴: ۳۰). و تنها زمانی که به گناهان خود اعتراف نماییم است که روح القدس دوباره به نزد ما باز خواهد گشت و از نو در ما سکونت خواهد گزید.

آیا در میان شما کسی هست که زندگی روحانیش دچار صدمه و شکست شده باشد؟ آیا فکر می‌کنید که نیروی روحانی خود را از دست داده‌اید؟ اگر این طور است، به درون قلب خود نگاه کنید و قلب خود را تفتیش نمایید.

می‌باشد (آیات ۱۳-۱۴) و تفسیر آن را مشاهده کنید).

دومین ثمره روح عبارت است از **خوشی**، یعنی خوشی روحانی. خوشی روحانی ثمره روح القدس است و حتی در حین غم و درد و سختیها و تنگناها، با ما خواهد بود و اصولاً آن خوشی روحانی ربطی به مسائل ظاهری ندارد. زیرا که این خوشی، هدیه فیض خدا به ما می‌باشد؛ این همان شادی و خوشی نجات است (یوحنا ۱۱:۱۵؛ فیلیپان ۴:۴).

ثمره سوم روح القدس، **سلامتی** می‌باشد. در اینجا منظور از سلامتی، صحت و سلامتی جسمانی نیست. بلکه مقصود آرامش و زیستن در صلح و صفا با خداوند می‌باشد. به خاطر کار عیسی مسیح، ریشه دشمنی ما با پروردگار کنده شده است و اینک نزد خدا سلامتی داریم (رومیان ۵:۱؛ فیلیپان ۷:۴). پس از دریافت نمودن سلامتی از سوی خدا، باید در پی این باشیم که ابتدا با برادران و خواهران خود در کلیسا (رومیان ۱۴:۱۹؛ افسسیان ۳:۴)، و سپس با همسایگان خود و همه انسانها در صلح و سلامتی زندگی کنیم.

چهارمین ثمره روح القدس، **حلم** یا صبر و تحمل در مواقع سختی و ناملازمات زندگی است. همچنین، **حلم**، به معنی غمخواری و همدردی با برادرانی است که در غم و سختی به سر می‌برند. ما باید نسبت به ضعفها و ناتوانیها و حتی گناهان برادر خود «حلم» نشان دهیم (افسسیان ۲:۴). همینطور که عیسی مسیح، با ما صبور بوده است، ما نیز بایستی نسبت به دیگران صبور باشیم (اول تیموتائوس ۱:۱۶).

پس از محبت، سلامتی، خوشی و حلم، پولس رسول به معرفی سه ثمره دیگر روح القدس می‌پردازد. این سه عبارت‌اند از: **مهربانی و نیکویی و ایمان**. منظور از مهربانی، نشان دادن رحمت و بخشش در روابط خود با دیگران می‌باشد (متی ۲۱:۱۸-۲۲). **نیکویی**

انتشار دهد (اول یوحنا ۲:۴). اگر برادران را به خاطر هر دلیل دیگر از خود جدا سازیم، خودمان مرتکب ایجاد دشمنی، تفرقه و جدایی در بدن مسیح خواهیم شد. همان گناهایی که پولس در این آیات از آنها نام می‌برد.

**کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند.** یعنی آن افرادی که به طور مستمر و بی‌آنکه توبه نمایند، مرتکب این اعمال می‌شوند، وارد ملکوت خدا نخواهند گردید. امکان دارد که گه‌گاه به دام یک یا چند مورد از این گناهان بیفتیم، ولی اگر فوراً به خود آمده از آنها توبه کنیم، خدا ما را خواهد بخشید و پاک خواهد نمود (اول یوحنا ۹:۱). ولی آن کسی که به طور آگاهانه و عمدی و بدون آنکه توبه نماید در گناه بسر می‌برد، وارث ملکوت خدا نخواهد شد، یعنی اینکه آن شخص نجات نخواهد یافت.

**۲۲-۲۳** آنانی که **به روح رفتار می‌کنند** (آیه ۱۶)، در زندگی خود **ثمره روح** را به بار خواهند آورد. اگر کسی با مسیح راه برود و با او زندگی کند، و در او بماند، **ثمره روح** را در زندگی خود خواهد دید (یوحنا ۴:۱۵-۵). در این آیات، پولس رسول در باره این مطلب مهم توضیح و تعلیم می‌دهد.

پیش از هر چیز به یاد داشته باشیم که **ثمره روح** با **عظایای روحانی** متفاوت است. عظایای مختلف و متفاوت روحانی به توسط روح القدس و بنا به صلاحدید او به مسیحیان داده می‌شود تا اینکه به جهت خدمت و بنای کلیسا به کار گرفته شود (اول قرنتیان ۷:۱۲-۱۱) را مشاهده کنید). ولی **ثمره روح** باید در زندگی همه مسیحیان به ظهور برسد. ثمره روح باید همیشه در زندگی شخصی و در کلیسا به وضوح دیده شود. زیرا اهمیت ثمره روح به مراتب بیشتر از عظایای روحانی است.

اولین ثمره‌ای که پولس رسول به آن اشاره می‌کند **محبت** نسبت به خدا و همسایه خودمان

کار را انجام دهد. تنها روح القدس است که ما را از درون فروتن و متواضع می‌سازد.<sup>۲۲</sup> ما باید به طور جدی و دائماً برای فروتنی و تواضع دعا کنیم. ولی بایستی به یاد داشته باشیم که برای آنکه روح القدس ما را فروتن و متواضع سازد لازم است که غرور خود را بر روی صلیب عیسی مسیح مصلوب کنیم. آیا آماده پذیرش ثمره روح القدس و فروتن شدن توسط خدا هستیم؟

**آخرین ثمره روح القدس پرهیزکاری**  
می‌باشد. پرهیزکاری یعنی اینکه، اراده و امیال خود را تحت کنترل و میل و اراده روح القدس قرار دهیم. این بدان معنی است که به روح رفتار کرده، شهوات جسم را به جا نیاوریم (آیه ۱۶). چگونه می‌توان فهمید که آیا ثمره روح، رسیده و کامل شده است؟ راه درک این امر بسیار ساده است. در موقع خرید میوه، رسیده بودن میوه‌ها را چطور تشخیص می‌دهیم؟ کافی است که میوه را در دست خود بگیریم و کمی آن را فشار دهیم. اگر میوه نرم و آبدار باشد، رسیده است. به همین ترتیب می‌شود از چگونگی وضعیت ثمره روح با خبر شد. تا زمانی که فشاری در کار نباشد و همه چیز موافق میل و خواست ما پیش برود، مسیحی بودن کار آسانی است. در مواقع خوشی و امنیت و آرامش و رفاه، ممکن است فکر کنیم که ثمره روح در ما به

۲۱- در عین حال باید توجه داشته باشیم که پایمال شدن نام نیک ما ممکن است باعث خدشه‌دار شدن نام عیسی مسیح بشود. و به همین خاطر است که برای خاطر آبروی مسیح (نه آبروی شخصی خودمان) باید همیشه سعی کنیم که به جهت نیک‌نامی خویش و کلیسای خودمان تلاش کنیم.

۲۲- کار روح القدس در درون زندگی ما این است که ما را متواضع گرداند. و وظیفه ما این است که خود را در زیر دست زور آور خدا فروتن گردانیم (اول پطرس ۵:۵-۶).

یعنی در پی نیکی به دیگران بودن و سعی در انجام خوبی در حق همه می‌باشد. و بالاخره منظور از **ایمان** امین بودن و وفاداری و قابل اعتماد بودن است.

پولس رسول، سپس به معرفی هشتمین ثمره روح می‌پردازد. **تواضع** به معنی فروتنی و اشتیاق به کوچکتر شمردن خود، چه در روابط خود نسبت به خدا و چه در روابط خودمان با دیگران می‌باشد. تواضع درونی و روحانی، همان فروتنی واقعی است. به یاد داشته باشیم که این نازک‌ترین و حساس‌ترین ثمره روح می‌باشد و به زودی و در اثر کمترین فشاری از بین خواهد رفت و یا پژمرده خواهد گردید. آخرین قلعه‌ای که در مقابل مسیح تسلیم می‌شود (غرور) است. آخرین گناهی که از آن نجات می‌یابیم، گناه غرور و تکبر می‌باشد. و گناه غرور، دشمن درجه یک تواضع می‌باشد. بدتر از همه این است که اغلب مواقع از غرور و تکبر خود بی‌خبریم. و زمانی که فکر کردیم که بر غرور پیروز گشته‌ایم، آن زمان است که دچار غرور روحانی گردیده‌ایم!

و یا ممکن است گمان کنیم که بسیار فروتن شده‌ایم ولی ناگهان شخصی ما را مورد توهین قرار می‌دهد و از توهین و سخن آن شخص عصبانی شده دچار رنجش می‌شویم. چرا؟ علت عصبانیت و دلخوری ما غرور ما می‌باشد. اگر غرور نداشته باشیم، از توهین و یا سخن نامربوط افراد عصبانی و رنجیده نمی‌گردیم! هرگاه که در پی حفظ نام و شخصیت و افتخارات خود باشیم، آن نشانه غرور است. شخصی که روح فروتن و متواضع داشته باشد، به افتخارات و اسم و رسم و نام و شهرت خود بی‌اعتنا است و تنها در پی کسب افتخار و نام و نیک و حُسن شهرت برای عیسی مسیح می‌باشد.<sup>۲۱</sup>

ما قادر به دور ساختن غرور خودمان نیستیم. تنها روح القدس است که می‌تواند این

جان سپردن و زجرگش شدن بر روی صلیب کار آسان و دلپذیری نیست. بنابراین، زندگی و رفتار در روح کار آسانی نمی‌باشد و حتی غیرممکن است!

ولی خدا از ما نمی‌خواهد که با تکیه بر قوت خود، زندگی کنیم. خدا می‌خواهد که مادر روح رفتار کنیم و با کمک روح القدس زندگی نماییم (آیات ۱۵-۱۶). ما باید با هدایت و کمک روح خدا زیست نماییم. در سایه هدایت روح القدس است که زندگی ما مطابق اراده و میل خدا خواهد بود.

**۲۵ اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم.** اگر ما تحت کنترل و هدایت روح القدس باشیم، باید به قدرت روح القدس رفتار و زندگی کنیم! اگر فرزندان خدا هستیم، باید مثل فرزندان خدا زندگی کنیم!

در اینجا یک سؤال مهم پیش خواهد آمد. ما می‌دانیم که به مجرد ایمان آوردن به عیسی مسیح، عادل کرده خواهیم شد. ولی با توجه به تجربه شخصی خودمان می‌دانیم که زندگی ما همیشه پاک و خالی از گناه و خطا نیست. این امر چگونه امکان‌پذیر است؟ زندگی ما مانند میوه‌ای است که بر روی درخت قرار دارد و در حال رسیدن می‌باشد. در ابتدای عمر خود، آن میوه سخت، کوچک، تلخ و بد مزه است. ولی به مرور ایام با تابش آفتاب و تغذیه از خاک و

کمال رسیده است. ولی زمانی که سختی و خطر از راه رسید (زمانی که تحت فشار قرار گرفتیم) آنگاه است که از وضعیت درون خود باخبر خواهیم شد. زمانی که میوه زندگی ما را فشار دهند، چه نوع عصاره‌ای بیرون خواهد زد؟ آیا عصاره تلخ و زشت و بد طعم غرور و گناه بیرون می‌آید؟ یا اینکه در زمان سختی و فشار، عصاره شیرین محبت و خوشی و سلامتی و تواضع، از وجود ما تراوش می‌کند؟

به خاطر داشته باشیم که این ثمرات نه‌گانه، با سعی و کوشش خودمان به دست نمی‌آید. بر عکس، این ثمرات، هدیه و نتیجه وجود و کار روح القدس در زندگی ما می‌باشد. اگر ثمره روح در زندگی ما مشخص و پدیدار باشد، آنگاه شریعت روح خدا را در زندگی خود به اجرا نهاده‌ایم. اگر ثمره روح در زندگی ما باشد، آنگاه می‌توان مطمئن بود که زندگی ما از عدالت و قدوسیت خدا مملو شده است و هیچ قانون و شریعتی بر ضد ما نخواهد بود. هیچ شریعتی نمی‌گوید که این ثمرات بد و ناشایسته است.

**هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست (آیه ۲۳).**

**۲۴** برای آنکه روح القدس به طور کامل و آزادانه وارد زندگی ما گردد، بایستی **جسم را با هوسها و شهواتش**، یعنی انسانیت سابق خود را مصلوب نماییم. بر اساس تعلیم پولس رسول در رساله به رومیان، طبیعت کهنه ما که تحت سلطه گناه بود، بر صلیب مصلوب گردیده است (رومیان ۶:۶). در اینجا، پولس رسول می‌گوید **جسم و شهواتش** بر صلیب مصلوب گردیده است. به یک معنا، طبیعت کهنه ما باید بمیرد. ولی طبیعت کهنه ما هنوز کاملاً نمرده است و به همین دلیل است که باید هر روزه جسم و شهواتش را مصلوب نماییم. لازم است که هر روزه امیال و هوسهای خود را انکار کنیم و صلیب خود را برداریم و عیسی مسیح را پیروی کنیم (لوقا ۹:۲۳).<sup>۲۳</sup>

آیا از رنج صلیب لذت می‌بریم؟ البته که نه!

۲۳- در رابطه با صلیب، عهدجدید دو نوع تعلیم و نگرش به ما می‌دهد. اولین معنی صلیب و مصلوب شدن را در رومیان ۶:۶ و غلاطیان ۲:۲ مشاهده می‌کنیم. در این نگرش، طبیعت و انسانیت کهنه ما با مسیح مصلوب می‌شود. ولی یک معنی دیگر برای صلیب و مصلوب شدن نیز وجود دارد، و آن آمادگی یک ایماندار برای مرگ و شهید شدن برای عیسی مسیح می‌باشد. ما هر روزه باید آماده باشیم که صلیب خود را برداشته، هم انسانیت کهنه خود را نابود کنیم و هم آماده مردن برای عیسی مسیح باشیم.



گردد و هر که خود را فروتن سازد سرافراز گردد (متی ۱۲:۲۳). بنابراین، بیایید برادر خود را بلند کنیم و خود را فروتن سازیم.

### باب ۶

## خوبی کردن نسبت به همه (۱:۶-۱۰)

۱ ای برادران اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. منظور از شما که روحانی هستید، آن افرادی است که به روح رفتار می‌کنند (۱۶:۵) و به روح زیست می‌کنند (۲۵:۵). اگر ما روحانی هستیم، باید متحمل ضعفهای برادران ضعیف‌تر خود در کلیسا باشیم. اگر آنها در گناه و یادر وسوسه و لغزش افتادند، باید به جای توبیخ نمودن آنها، ایشان را به روح تواضع کمک کنیم. هرگز از لغزش برادر خود شادمان نشویم. برعکس اگر دیدیم که برادرمان افتاده است، او را با روح تواضع، تقویت و تشویق کنیم و آن برادر یا خواهر را کمک کنیم که در مسیر توبه قرار گیرد. در این میان، باید ضعفهای خودمان را نیز از خاطر نبریم. مواظب باشیم که مبادا دچار غرور شویم، چرا که ممکن است فردا خودمان دچار همان لغزشها گردیم. زمانی که از گناه برادر خود مطلع شدیم، به یاد بیاوریم که اگر به خاطر فیض و رحمت خدا نبود، خود مرتکب گناهی به مراتب زشت‌تر و پلیدتر می‌شدیم (اول قرن‌تیان ۱۰:۱۲ را مشاهده کنید). بیایید در چنین مواقعی از خود بپرسیم: «اگر من در همان وضعیت و در همان گناه بودم، از برادران خود چه توقعی می‌داشتم؟» سخن خداوند را به یاد بیاوریم که فرمود: **لَهِذا آنچه خواهید که مردم به شما کنند، شما نیز بدیشان همچنان کنید، زیرا این است تورات و صُخف انبیا** (متی ۱۲:۷).

۲ **بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید.** منظور از بارهای سنگین چیست؟

آب، آن میوه کوچک و بد طعم، رشد کرده مبدل به میوه‌ای شیرین و رسیده و خوش طعم خواهد شد. پس از ایمان به مسیح، خدای مهربان ما را عادل می‌خواند. یعنی اینکه در نظر خدا ما آن میوه رسیده و کامل هستیم، و سپس او کار رشد و مراقبت را در ما شروع می‌کند تا اینکه به میوه‌ای رسیده و خوش طعم تبدیل شویم. خدا ما را آنگونه که هستیم می‌پذیرد و سپس ما را مطابق میل خود تغییر داده، رشد می‌دهد.

به وسیله فیض خداست که ما زندگی مسیحی خود را شروع می‌کنیم. و تنها به کمک فیض خدا و تابش نور کلام و باران روح القدس است که ما رشد کرده، به کمال می‌رسیم. این به کمک فیض خداوند است که مطابق اراده و میل او رشد می‌کنیم و در نهایت به شباهت عیسی مسیح در خواهیم آمد و بالاخره شادی و لذت زندگی در ملکوت آسمان را تجربه خواهیم نمود. بیایید هرگز از شکر گفتن باز نایستیم (افسیسیان ۱:۶).

۲۶ در این آیه، پولس رسول سه مورد زندگی که با رفتار در روح مطابقت ندارد را به عنوان مثال مطرح می‌کند. اول **لافزنی** است. فرد لافزن، در پی این است که خود را در نظر دیگران بهتر از آنچه که هست بنماید. دومین کار **بد به خشم آوردن** یکدیگر است. با لافزنی و خود را بهتر از دیگران نشان دادن، باعث تحقیر و کوچک ساختن دیگران خواهیم شد و بدین ترتیب آنها را به خشم خواهیم آورد. سومین عمل غیرروحانی، **حسد** بردن به دیگران است. حسد بردن به این معنی است که از خوبی و رشد و نجابت دیگران ناراحت باشیم. در نتیجه لافزنی و حسادت است که دیگران را به خشم خواهیم آورد. یا دیگران را تحقیر کرده خود را بالاتر از آنها قرار می‌دهیم.

ولی عیسی مسیح به ما تأکید کرده است که اگر این چنین رفتار کنیم، نتیجه عکس خواهیم گرفت. او فرمود: **هر که خود را بلند کند، پست**

دوش او قرار خواهد گرفت. ولی در بسیاری مواقع، بار سنگین گناه آن برادر و یا خواهر، بر دوش دیگران و حتی کلیسا قرار خواهد گرفت. ممکن است به خاطر گناه آن شخص، کلیسا بدنام و شرمنده و خجالت زده گردد. اگر همچو حالتی پیش آید، چه باید بکنیم؟ آیا در آن موقع هم باید بار او را بر دوش خود برداریم؟

بلی! این وظیفه ما است که حتی در آن مواقع نیز متحمل بارهای برادران خود بشویم. ما نه تنها باید بارهای گناه برادر خود را تحمل کنیم، بلکه باید آماده باشیم که بهای گناهان او را نیز پرداخت کرده، به خاطر گناه برادر و یا خواهر خود، متحمل رنج و شرم و خجالت بشویم. این دقیقاً همان کاری است که مسیح برای ما انجام داد. اگر مانند مسیح عمل کنیم آنگاه **شریعت مسیح را به جا آورده ایم. عیسی مسیح فرمود: این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید، همچنانکه شما را محبت نمودم** (یوحنا ۱۵:۱۲).

۳ در مقایسه با خدا، انسان هیچ است (مزمور ۴:۸). بنابراین، باشد که فکر نکنیم که شخص مهمی هستیم و کلیسا و ملکوت خدا به ما محتاج است! اگر این رویه ما باشد و با خود گمان کنیم که روحانی، ارزشمند و یا مهم می‌باشیم، خود را گمراه می‌کنیم و در دام غرور خواهیم افتاد.

هرگز خود را با دیگران مقایسه نکنیم. زیرا که در این صورت همیشه کوشش خواهیم نمود که خود را بهتر از آنچه که هستیم نشان بدهیم. برعکس بیایید خود را با عیسی مسیح مقایسه کنیم. زیرا تنها در این صورت، فروتن خواهیم شد!

۴ هر یک از ما مسئول اعمال و رفتار خودش می‌باشد. از این جهت، هر کدام از ما بایستی دائماً قلب خود را مورد تفتیش قرار دهد و رفتار خود را با هدایت روح القدس منطبق سازد. همانطور که درخت را از میوه‌اش می‌شناسند، کارهای ما نیز مَعْرِفِ ایمان ما و

شاید بعضی از این بارهای سنگین، مسئولیتها و مشغله آن برادر می‌باشد. شاید آن برادر و یا خواهر، بسیار گرفتار است و باید ساعتهای زیادی را به کار و کسب بگذراند. شاید او خسته است و نیاز به استراحت دارد. در این صورت، باید به نوعی او را کمک کنیم و بارهای او را کم و سبکتر بسازیم.

بعضی از بارهای سنگین، ممکن است ناشی از ناراحتی فکری باشد. ممکن است برادر و یا خواهرمان زیاد غصه می‌خورد، از چیزی مأیوس شده است و یا دل شکسته و غمگین است. در این مواقع نیز باید سعی کنیم به آنها کمک کنیم و به نوعی بارهای سنگین ایشان را برداریم.

سومین بار سنگین به وسیله اعمال غلط و انتخاب‌های نادرست بر عهده ما گذاشته می‌شود. در این گونه موارد، خود شخص مسئول آن بارها می‌باشد. ممکن است آن برادر، عصبانی مزاج و تندخو است. او می‌داند که عصبانی شدن و خشم گرفتن بیهوده صحیح نیست ولی او مرتب کار بد خود را تکرار می‌کند و از این مسئله بسیار در رنج است. این امر برای او مبدل به باری سنگین شده است. حال چگونه می‌توانیم او را در حمل این بار کمک کنیم؟

ما می‌توانیم با بخشیدن آن برادر و یا خواهر، بار او را حمل کنیم. می‌توانیم او را نصیحت کنیم، آرامش دهیم و با روح تواضع و فروتنی او را کمک کنیم که تندخویی و اخلاق خشن خود را تعدیل کند. هرگز نگوییم: «اگر آن برادر یا آن خواهر فلان اخلاق بد را به کنار گذاشت، با او حرف خواهیم زد». به یاد بیاوریم که مسیح همچو توقعی از ما نداشت. او ابتدا ما را پذیرفت و با روح تواضع به ما کمک کرد و بارهای ما را برداشت. ما نیز باید به همسایه خود چنین کنیم.

زمانی که برادر و یا خواهرمان، مرتکب گناهی شود، بار سنگین خجالت و شرمساری بر

ممکن است از نظر مادی در مضیقه باشند. اگر ما که از خدا برکات مادی دریافت نموده‌ایم، معلم و یا شبان خود را محتاج ببینیم، باید همان طور که او ما را در برکات معنوی خود سهیم ساخته است، او را در برکات مادی خویش شریک نماییم (رومیان ۱۵: ۲۶-۲۷؛ دوم قرنتیان ۹: ۱۱-۱۲ را مشاهده کنید).

**۷ زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد.** در طبیعت و کشاورزی، این امری بدیهی و اصلی ثابت شده می‌باشد. پولس رسول می‌گوید که این قانون در مسائل معنوی و روحانی هم صادق می‌باشد. ما قدرت گول زدن و استهزای خدا را نداریم. او می‌داند که ما چه کاشته‌ایم و او محصول همان بذرها را به ما خواهد داد.

هر چه بیشتر در راه خدا به دیگران کمک کنیم، خدا بیشتر به ما خواهد داد. **شخص سخی فربه می‌شود، و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت** (امثال ۱۱: ۲۵؛ دوم قرنتیان ۹: ۶).

**۸ هر که برای جسم خود کارد** یعنی اگر به جهت منافع شخصی و اقناع و ارضای امیال جسم خود تلاش کند؛ حاصل جسم یعنی **فساد** را درو خواهد کرد. ولی اگر برای روح کارد حاصل کار خود یعنی **حیات جاودانی** را دریافت خواهد نمود (رومیان ۶: ۲۱-۲۳؛ اول یوحنا ۲: ۱۷ را مشاهده کنید).

اگر در پی درو کردن محصول روحانی هستیم، باید بذر روحانی بکاریم. و اگر بخواهد حاصل موت و فساد را درو نماید، کافی است که اعمال جسم (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱) را بکارد. خدا عادل است. او به ما پاداش و دستمزد شایسته و عادلانه اعمال ما را خواهد داد. او همیشه آنچه بر اساس کارهای ما به ما دستمزد خواهد داد.

**۹** بسیاری از ایمانداران، زندگی روحانی خود را با اشتیاق و علاقه بسیاری شروع

چگونگی رابطه ما با عیسی مسیح می‌باشد. پولس می‌گوید اگر اعمال و رفتار شخصی خوب و پسندیده باشد، جا دارد که او به کارهای خوب خود **فخر** کند. منظور وی این نیست که ما خود را به دام غرور بیندازیم، بلکه مقصود او این است که از آنجا که خدا منشأ هر عمل خوب و هر راستی می‌باشد، در کارهای نیکوی خود به فیض خدا که در ما کار می‌کند افتخار نماییم (اول قرنتیان ۱۰: ۱۵). پولس می‌گوید ما نباید خود را با دیگران مقایسه کنیم. ما نباید به این فخر کنیم که برادرمان در گناه به سر می‌برد و ما دارای قوت روحانی هستیم! برعکس، ما باید از کارهای نیکویی که خدا به وسیله ما انجام می‌دهد فخر و شادی نماییم. هر کودکی با دیدن خوشحالی پدرش خوشحال می‌شود، ما نیز بایستی به کارهای نیکویمان، فخر کنیم چون که آن کارها باعث خشنودی پدر آسمانی گردیده است.

لازم است همیشه خود را با عیسی مسیح مقایسه کنیم. زیرا در آن صورت نه تنها فروتن خواهیم شد بلکه متوجه گناهان خودمان گردیده، دیگر در پی یافتن عیب و ایراد از برادران خود نخواهیم بود.

**۵** پولس رسول در آیه ۲ می‌گوید: **بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید.** اما در اینجا می‌گوید: **هر کس حامل بار خود خواهد شد.** آیا پولس ضد و نقیض سخن می‌گوید؟ خیر. **بار** در آیه ۵ با **بار** در آیه ۲، کاملاً متفاوت است. منظور از **بار** در آیه ۵، بار مسئولیت و وظایف مسیحی و اجتماعی هر کس است. هر یک از ما مسئولیتها و وظایفی داریم و نباید آن بارها را بر دوش دیگران بنهیم. خدا بر عهده هر یک از ما وظیفه‌ای محول نموده است و حساب آن را از ما به طور انفرادی خواهد گرفت (رومیان ۱۴: ۱۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰).

**۶** چه بسا دیده شود که معلمین و شبانان و واعظین کلام در فقر مادی به سر ببرند. آنها

را با دست خود می‌نویسد (اول قرتیان ۲۱:۱۶؛ دوم تسالونیکیان ۱۷:۳ را مشاهده کنید).

**۱۲** معلمین دروغینی که از اورشلیم آمده بودند (غلاطیان ۴:۲، ۱۲) می‌خواستند برای یهودیان ساکن غلاطیه **صورتی نیکو در جسم نمایان سازند**. آنها می‌خواستند دل یهودیان ساکن غلاطیه را به دست آورند و به این ترتیب رابطه‌ای خوب با آنها ایجاد کنند. چرا؟ چون آنها نمی‌خواستند از سوی یهودیان غلاطیه مورد آزار و اذیت و جفا قرار گیرند. به این دلیل بود که آنها غیریهودیان را مجبور می‌کردند که ختنه شوند. یهودیان معتقد بودند که با ختنه شدن و پیروی از قوانین مذهبی یهود می‌توان نجات یافت. ولی بر اساس موعظه **صلیب مسیح** ما فقط به وسیله فیض خدا و ایمان به مسیح مصلوب نجات پیدا می‌کنیم. به همین خاطر بود که نزد یهودیان ذکر صلیب عیسی، باعث رنجش و حتی توهین‌آمیز بود. و یهودیان هر کس را که به صلیب و ایمان به عیسی مسیح موعظه می‌کرد، مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند (غلاطیان ۵:۱۱ را مشاهده کنید).

**۱۳** معلمین دروغین و یهودگران یعنی آنهایی که **مختون می‌شوند**، خود به طور کامل از شریعت یهود اطاعت نمی‌کردند. آنها از غلاطیان می‌خواستند ختنه شوند، نه برای اینکه نزد آنها اجرای قوانین مذهبی یهود آنقدر اهمیت داشت. بلکه قصد ایشان این بود که به یهودیان فخر بفرشند و به آنها نشان دهند که آنها توانسته‌اند که امتهای غیریهودی را به ختنه شدن تشویق کنند. آن معلمین کذب، افرادی ریاکار بودند. با تأکید بر اهمیت ختنه، آنها باعث شده بودند که غلاطیان از ایمان واقعی و نجات به توسط فیض، دور گردند (متی ۱۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۶ را مشاهده کنید).

**۱۴** یهودیان به ختنه و انجام اعمال شریعت افتخار می‌کردند. ولی پولس تنها به صلیب عیسی مسیح، یعنی به قربانی مسیح و کار بزرگ

می‌کنند. ولی رفته‌رفته، از پیروی راستی خسته‌خاطر می‌گردند و برخی دیگر، دیدن را بالکل رها می‌نمایند (غلاطیان ۷:۵).

آیا برادر و یا خواهر خسته‌ای در میان شما وجود دارد؟ باشد که آنها نام خدا را بخوانند تا اینکه از خدا قوت و نیروی تازه دریافت کنند (اشعیاء ۴۰:۲۹-۳۱). بگذارید ایشان به عیسی مسیح چشم بدوزند، **مبادا در جانهای خود ضعف کرده، خسته** شوند (عبرانیان ۳:۱۲). باشد که آنها پاداش و جایزه‌ای که برای ایشان مهیا گشته است به خاطر بیاورند (اول پطرس ۱:۳-۴). اگر خسته نشویم، خرمن عدالت را در این جهان درو خواهیم نمود و حیات جاویدان را در عالم آینده به چنگ خواهیم آورد (دوم تیموتائوس ۷:۴-۸ را مشاهده کنید).

**۱۰** پولس رسول در آیه ۹ هشدار می‌دهد **لیکن از نیکوکاری خسته نشویم**. منظور از «نیکوکاری»، انجام کارهای نیکو برای دیگران است. به بیانی دیگر منظور از نیکوکاری، محبت کردن همسایه خود می‌باشد (غلاطیان ۵:۱۴).

**بقدری که فرصت داریم با جمیع مردم احسان بنماییم**. توجه کنید که کلام خدا می‌گوید «بقدر فرصت» یعنی اینکه هرگاه موقعیت نیکویی پیش آمد، نه اینکه هرگاه وقت داشتیم و دلمان خواست و کار دیگری وجود نداشت و غیره! لحظه‌ای تأمل کنیم و با خود بیندیشیم که همین امروز چند موقعیت کمک به دیگران را از دست داده‌ایم؟ خدا به ما رحم کند!

ما باید با جمیع مردم، خوبی و احسان نماییم. **علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان**، یعنی با ایمانداران دیگر و برادران و خواهران مسیحی خود نیکویی نماییم (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵ را مشاهده کنید).

**نه ختنه نه نامختونی، بلکه مخلوقی نو (۱۱:۶-۱۸)**

**۱۱** از اینجا به بعد، پولس رسول ادامه نامه

کسانی که بر اساس انجیل رفتار می‌کنند، اسرائیلی خدا<sup>۲۴</sup> و اهل خانواده او هستند. اسرائیلی حقیقی متشکل از اولاد جسمانی ابراهیم نمی‌باشد، بلکه اسرائیلی حقیقی خدا، از افرادی که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند، تشکیل شده است.

**۱۷ بعد از این هیچ کس مرا زحمت نرساند، زیرا که من در بدن خود دانه‌های خداوند عیسی را دارم.** پولس بارها برای عیسی مسیح و ایمان به صلیب عیسی مسیح شکنجه شد و شلاق خورد و بدنش پُر از آثار آن شکنجه‌ها بود (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۸ را مشاهده کنید). هر که پولس را زحمت دهد، عیسی مسیح را رنجانده است. باشد که کلیسای غلاطیه از زحمت دادن به پولس خودداری نمایند. در عوض، بهتر است که آنها معلمین دروغین را از پیش خود دور نمایند و پیغام انجیل را از زبان و قلم پولس رسول، گوش کنند.

**۱۸** هر چند که پولس در سرتاسر این نامه، بارها غلاطیان را مورد توبیخ و ملامت و سرزنش قرار می‌دهد، ولی با این حال، او آنها را مانند برادران خود دوست می‌دارد. آنها حالت گوسفندی را دارند که از گله دور افتاده باشند. آنها به دنبال شبان دیگری رفته بودند. ولی پولس کماکان ایشان را دوست دارد و برای آنها دعا کرده، ایشان را با این کلمات برکت می‌دهد: **فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد ای برادران.**

۲۴- اسرائیل، نام ملت یهود است. ولی اینک تمامی ایمانداران به مسیح «اسرائیل حقیقی» می‌باشند. زیرا اینک آنها فرزندان حقیقی خدا و قوم برگزیده خداوند هستند.

او بر روی صلیب، فخر می‌کند. بیاید لحظه‌ای درباره صلیب تفکر کنیم. از نقطه نظر رومیان، صلیب مظهر شرمساری، خجالت، شکنجه، و توهین و تحقیر بود. صلیب مکان اعدام و نمونه کامل ضعف یک نفر محسوب می‌شد. ولی با این همه، پولس به صلیب فخر می‌کند. چرا؟ چونکه به وسیله مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب است که انسانها نجات خواهند یافت.

پولس رسول در باره صلیب عیسی مسیح چنین می‌گوید: **بوسیله او (صلیب) دنیا برای من مصلوب شد.** یعنی اینکه به وسیله صلیب عیسی مسیح، تمام امیال جسم و شهوت‌های زندگانی برای او مُرده بود. پولس به دنیا و به لذت‌های این جهان واقعی نمی‌گذارد. او فقط به صلیب خداوندش تکیه کرده است (اول قرنتیان ۱: ۱۸؛ فیلیپیان ۳: ۷-۸ را مشاهده کنید).

نه تنها جهان برای پولس مصلوب شده بود، بلکه پولس نیز خود را برای دنیا مصلوب نموده بود. جسمانیت و طبیعت کهنه او با مسیح مُرده بود (رومیان ۶: ۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰).

**۱۵** در غلاطیان ۵: ۶ می‌خوانیم که برای پولس رسول تنها چیزی که فایده دارد، نجات از گناهان و دریافت حیات جاودانی است (غلاطیان ۵: ۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). در اینجا نیز، پولس رسول با کلماتی متفاوت همان مطلب را تکرار می‌کند. به توسط صلیب عیسی مسیح، ما به **خلقت** تازه‌ای تبدیل شده‌ایم. ما به فرزندان خدا و انسانی نو مبدل گشته‌ایم (دوم قرنتیان ۵: ۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما از نو متولد شده‌ایم (یوحنا ۳: ۵). و **خلقت تازه** گشته‌ایم.

**۱۶ آنانی که بدین قانون رفتار می‌کنند، یعنی تمام آن کسانی که از تعلیمات این نامه پیروی می‌کنند، سلامتی و رحمت بر ایشان باد.** آنچه که پولس رسول در این نامه نوشته است، انجیل واقعی و راستین عیسی مسیح است. تمامی

